

حکایت مناظره‌ای تاریخی

موضوع:

تحریر قرآن نزد شیعه

مولانا عبدالستار تونسوی

ترجمه:

عبدالرئوف ریگی

عنوان کتاب:	حکایت مناظره‌ای تاریخی
نویسنده:	مولانا عبدالستار تونسوی
ترجمه:	عبدالرئوف ریگی
موضوع:	تحریف قرآن نزد شیعه
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
مقدمه‌ی مترجم.....	۱
سخنی از گردآورنده کتاب.....	۱۵
چند نکته مفید.....	۱۵
اسامی مناظره کنندگان و مدیران جلسه:.....	۱۹
اهل سنت و جماعت.....	۱۹
اهل تشیع.....	۱۹
آغاز مناظره.....	۲۱
مناظر اهل سنت مولانا عبدالستار تونسوی:.....	۲۱
مناظر شیعه.....	۲۷
شیخ اسماعیل، بعد از خواندن خطبه:.....	۲۷
مناظر اهل سنت علامه عبدالستار.....	۲۸
مناظر شیعه:.....	۳۴
اعتراض مناظر اهل سنت:.....	۳۴
مناظر اهل سنت، علامه عبدالستار:.....	۳۵
مناظر شیعه:.....	۳۶
مناظر اهل سنت:.....	۳۷

- ۴۰..... روایات تحریف در کتب شیعه
- ۴۱..... مناظر شیعه:
- ۴۲..... مناظر اهل سنت
- ۴۳..... خشم مناظر شیعه از شرح ملا خلیل قزوینی
- ۴۴..... روایات تحریف قرآن در کتب شیعه
- ۴۵..... مناظر شیعه:
- ۴۵..... مناظر اهل سنت:
- ۴۸..... مناظر شیعه:
- ۴۸..... مناظر اهل سنت:
- ۵۰..... و آیات تحریف قرآن در کتب شیعه:
- ۵۱..... مناظر شیعه
- ۵۲..... مناظر اهل سنت:
- ۵۳..... روایات تحریف قرآن در کتب شیعه:
- ۵۴..... مناظر شیعه:
- ۵۵..... مناظر اهل سنت:
- ۵۶..... سکوت علمای شیعه و فرار از موضوع
- ۵۷..... مناظر شیعه:
- ۵۸..... مناظر اهل سنت:
- ۶۱..... مناظر شیعه:
- ۶۱..... دعوی مناظر شیعه با مردم و فحش دادن آن‌ها:
- ۶۱..... مناظر اهل سنت:

مقدمه‌ی مترجم

﴿لَمْ يَلْمُكَ أَلَكِ تَبُّ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَىٰ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۱-۲].

قرآن کتابی است که هیچ شکّی در آن وجود ندارد هیچ شکّی نیست که قرآن کتاب خداست و معجزه جاودان رسالت و نبوت پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ می‌باشد و خداوند آن را برای هدایت و راهنمایی بشر نازل فرمود و قرآن برنامه بدون بدیل و هدایتگر مردم به صلاح امور دین و دنیای آنهاست که آنان را از تاریکی و ظلمات به نور و روشنی تا روز قیامت رهنمون شده و آنان را به راه راست هدایت می‌نماید.

به اعتقاد همه مسلمانان قرآن با نقل متواتر، بطور نوشته و شفاهی نسل از نسل بدون هیچ گونه تغییر و تبدیلی به ما رسیده است و حفاظت از این کتاب عظیم را خود پروردگار جهانیان بر عهده گرفته است چنانچه می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹] یعنی: «ما قرآن را نازل کردیم و همانا ما نگهدار آنیم».

و خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ [فصلت: ۴۲]. یعنی: «هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به آن راه نمی‌یابد».

و به اعتقاد همه علمای اسلام هر کس کوچکترین شکّی در کلام الله بودن آیه‌های قرآنی داشته باشد یا یک لفظ از قرآن را انکار نماید یا بگوید آیه‌ای به قرآن افزوده شده است و یا چیزی از آن کم شده است و یا الفاظی تغییر داده شده‌اند از دایره اسلام خارج شده و کافر می‌گردد؛ چنانچه علامه ابن حزم در کتاب محلی می‌نویسند: وأن القرآن الذي في المصاحف

بأیدی المسلمین شرقا وغربا فما بین ذلك من أول القرآن إلى آخر المعوذتين كلام الله عزوجل ووحیه أنزله علی قلب نبیه محمد صلی الله علیه و سلم من کفر بحرف منه فهو کافر^۱.

ترجمه: بی‌شک قرآنی که در دست همه مسلمانان جهان قرار دارد از اول تا آخر معوذتین کلام خداوندی و وحی الهی است که بر قلب پیامبرش محمد ﷺ نازل فرموده است و هر کس یک حرف از آن را انکار نماید کافر می‌شود.

قاضی عیاض از ابو عثمان حداد نقل می‌کند که او گفته است: تمام کسانی که پیروان توحید هستند بر این اتفاق دارند که انکار یک حرف از قرآن کفر می‌باشد.^۲
ابن قدامه می‌گوید:

اگر شخصی سوره‌ای از قرآن یا آیه‌ای یا کلمه‌ای و یا حرفی از آن را انکار کند، در بین مسلمانان اختلافی وجود ندارد بر اینکه او کافر می‌باشد.^۳
بغدادی می‌گوید: اهل سنت تکفیر نموده آن گروه از شیعه را که چنین می‌پندارند که امروزه قرآن و سنت قابل حجیت نیست بخاطر اینکه - طبق گفتار آن‌ها - صحابه بعضی از قرآن را تغییر داده و برخی دیگر را تحریف نموده‌اند.^۴

ابن حزم در جواب استدلال نصاری به عقیده شیعیان درباره تحریف قرآن چنین می‌گوید:

^۱ - محلی ص ۱.

^۲ - الشفاء (ص، ۱۱۰۲-۱۱۰۳).

^۳ - لمعة الاعتقاد ص ۱۹.

^۴ - الفرق بین الفرق ص، ۳۱۵ چاپ دار الآفاق، بیروت.

و اما گفتارشان درباره ادعای شیعیان در مورد دگرگونی قرآن، باید گفت: شیعیان مسلمان بشمار نمی‌آیند.^۱

این قول اجماعی همه علماء و بزرگان اسلام در مورد قرآن می‌باشد که هر کس یک لفظ از قرآن را انکار کند و یا اعتقاد به تحریف و تغییر در قرآن داشته باشد کافر و از دایره اسلام خارج می‌باشد.

دشمنان اسلام و مشرکان و کفار و یهود و نصارا در زمان نزول قرآن به کتاب الله طعن کرده و این کتاب عظیم را مورد تشکیک و تردید قرار دادند اما در برابر بیان واضح و روشن قرآن کم آورده و توان رویارویی و مقابله با کتاب الله را نداشتند به همین دلیل پس از وفات پیامبر اسلام و در عهد حضرت علی (علیه السلام) در لباس نفاق و با ظاهری اسلامی و باطنی مملو از کفر فرقه‌ای بنام شیعه ساخته و افکار الحادی و کفریه خود را در قالب این فرقه ارائه دادند و در راس این یهودیان اسلام ستیز عبدالله بن سبای یهودی بود که شیعیان در کتاب‌هایشان از وی به عنوان بانی و موسس فرقه شیعه نام برده‌اند و حضرت علی (علیه السلام) در زمان خلافتش به خاطر عقائد باطل و کفریه اش دستور قتل وی را صادر نمود.

فرقه شیعه که به ظاهر خود را مسلمان می‌نامد به دلایل مختلفی از جمله عقیده کفرانه امامت و تکفیر و اهانت اصحاب و ازواج پیامبر و عقیده باطل تحریف قرآن فرقه‌ای کافر و خارج از دایره اسلام است و علمای اسلام در طول تاریخ این فرقه را کافر قلمداد کرده‌اند مگر آن دسته از علمای اسلام که از حقیقت این فرقه کافر بی‌خبر بوده‌اند و یا به کتب این فرقه کافر دسترسی نداشته‌اند و یا تحت تاثیر تقیه بازی این فرقه کافر و دروغگو و منافق قرار گرفته‌اند.

^۱ - الفصل ۸۰/۲

یکی از بزرگترین دلایلی که این فرقه را از دایره اسلام خارج می‌کند و این فرقه را جزو کفار قرار می‌دهد عقیده باطل این فرقه نسبت به کتاب عظیم الشان قرآن است، شیعیان طبق اظهارات کتاب‌های معتبر و اقوال آخوندهای بزرگ این فرقه اعتقاد دارند قرآن عظیم مورد تحریف قرار گرفته است، یعنی آیه‌هائی از قرآن حذف شده است و آیه‌هائی به قرآن افزوده شده است و علمای شیعه تحریف قرآن را نه به عنوان روایت بلکه به عنوان یک عقیده مسلم و قطعی در کتاب‌هایشان بیان کرده‌اند.

اما همه می‌گویند شیعیان همین قرآن را می‌خوانند و همین قرآن را قبول دارند و حتی مسابقات قرآنی برگزار می‌کنند و غیره؟

در پاسخ آن‌ها می‌گویم برای شناخت هر فرقه باید به کتب آن فرقه مراجعه نمود و دین و مذهب یک گروه و فرقه از مردم شناخته نمی‌شود بلکه باید به کتاب‌های آن مذهب مراجعه نمود، مثلاً اگر کسی بخواهد در مورد مسیحیت و یا یهودیت قضاوت کند باید به کتب مسیحیان و یهودیان مراجعه نماید و نمی‌توان برای قضاوت در مورد یک دین و مذهب و یا حتی یک گروه با توجه به نظر و افکار افراد گروه و یا مذهب قضاوت نمود و الان ما هم اگر می‌خواهیم فرقه شیعه و عقائدش را بدانیم باید به کتاب‌های شیعه مراجعه کنیم زیرا آخوندهای شیعه مانند یهودیان بسیاری از حقائق مذهب خود را از عوام مخفی و پنهان نموده و طبق عقیده‌ای دیگر بنام تقیه تا ظهور مهدی به این نفاق ادامه خواهند داد، الان ما نگاهی به کتاب‌های شیعه می‌اندازیم تا ببینیم کتاب‌های شیعه در مورد تحریف قرآن چه می‌گویند.

گزارش تحریف شدن قرآن در احادیث شیعه آنقدر زیاد و چشمگیر است که علمای شیعه معتقدند از ارکان تشیع باور به تحریف قرآن است و این

سخن مخالفان شیعه نیست بلکه چنانچه خواهد آمد بزرگترین علمای تاریخ تشیع چنین اظهار نظر کرده اند.

چنانچه ابو الحسن عاملی می‌گوید: نزد من «تحریف قرآن و تغییرش» از ضروریات مذهب شیعه می‌باشد^۱.

علمای بزرگ شیعه در کتاب‌هایشان از عقیده شیعه و امامان معصوم به تحریف قرآن گفته‌اند و با صراحت بیان کرده‌اند که همه امامان معصوم و بزرگان شیعه معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند چنانچه فیض کاشانی صاحب تفسیر صافی در مقدمه تفسیرش بعد از ذکر روایاتی که برای تحریف قرآن از آنان استدلال کرده است نتیجه‌گیری کرده است: آنچه که از این روایت و دیگر روایات از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) برداشت می‌شود این است که همانا قرآنی که اکنون نزد ماست، تمام آن نیست، چنانکه بر حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شد بلکه چیزهایی از آن مخالف است با آنچه خداوند نازل کرده است. و برخی از آن تغییر و تحریف شده است و همانا چیزهای بسیاری از آن حذف گردیده است، از جمله نام علی (علیه‌السلام) در جاهای بسیار، و همچنین لفظ «آل محمد» (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بیش از یکبار، و نام منافقین از جاهایش، و چیزهای دیگر از آن، و همچنین این قرآن بر ترتیبی که مورد پسند خدا و رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد نیست.

نعمت الله الجزائری یکی از محدثین و علمای بزرگ شیعه در کتاب نورالبرهان بعد از ذکر روایاتی مبنی بر تحریف شدن قرآن می‌گوید: می‌گویم: اصحاب و علمای ما در کتاب‌های اصول حدیث و غیره روایات بسیار زیادی

^۱ - مقدمه دوم، فصل چهارم، برای تفسیر مرآة الانوار و مشکاة الاسرار، و برای مقدمه تفسیر برهان بحرانی نیز چاپ شده است

در حد تواتر نقل کرده‌اند که دلالت بر تحریف قرآن می‌کند و بسیار در آن نقص و زیادتی وجود دارد.

علمای بزرگ شیعه گفته‌اند روایات تحریف قرآن متواتر است و اگر قرار باشد روایات تحریف قرآن را انکار کنند باید به طور کلی مذهب شیعه را انکار نمایند و امامت را انکار نمایند زیرا روایات تحریف قرآن از روایات امامت هم بیشتر است و اگر شیعه‌ای عقیده تحریف قرآن را انکار نماید باید مذهب شیعه را منکر شود چنانچه عالم شیعه ملا باقر مجلسی در کتابش: «مرآة العقول من شرح أخبار آل الرسول» در شرح حدیث هشام بن سالم از ابی عبدالله (علیه السلام) روایتی نقل کرده که جعفر صادق فرمود:

«همانا قرآنی که جبرئیل (علیه السلام) برای حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) آورد هفده هزار آیه بود.^۱

ملا باقر مجلسی در شرح این حدیث می‌گوید: مخفی نیست این روایت و روایات صحیح دیگر، صریح و واضح است در مورد، کم شدن قرآن، و تغییر آن و نزد من روایات در این زمینه از لحاظ معنا متواتر^۲ می‌باشند، و کنار

^۱ - مرآة العقول من شرح أخبار آل الرسول جلد دوازدهم ص ۵۲۵.

^۲ - متواتر و خبر واحد و مستفیض از نظر شیعه چیست:

حدیثی متواتر است که شمار راویان آن در هر طبقه به حدی باشد که تبانی آنان بر جعل حدیث عادتاً محال باشد تا آنجا که علم به صدور مضمون حدیث از معصوم را ایجاد کند و خبر متواتر به "لفظی" و "معنوی" تقسیم شده است. متواتر لفظی، خبری است که همه ناقلان، مضمون آن را به يك لفظ نقل کرده باشند که این گونه روایت به ندرت محقق شده است. متواتر معنوی، قدر مشترك مضمون چند خبر است که این دسته - که بیانگر معنای يك مطلبند - فراوان تحقق یافته است.

خبر واحد، حدیثی است که شمار راویان آن در همه یا در یکی از طبقات کمتر از حد تواتر باشد. خبر واحد علم آور نیست و تنها در صورتی که دارای سند معتبر باشد،

گذاشتن همه این روایات موجب سلب اعتماد از تمام روایات می‌گردد بلکه در گمان من روایات در این زمینه کمتر از روایات درباره امامت نیست، پس چگونه (امامت) را با روایت ثابت می‌کنند؟»

یعنی چگونه با خبر و روایت امامت را ثابت می‌کنند در حالیکه روایات تحریف قرآن از روایات امامت کمتر نیست پس اگر روایات تحریف قرآن را انکار کنند نمی‌توانند امامت را ثابت کنند.

و عالم شیعه یوسف بحرانی در کتابش درر النجفیه می‌گوید: اگر راه طعنه زدن به روایات تحریف قرآن باز شود با وجود کثرت و تواتر و مشهور بودن روایات، هرآینه طعنه‌زدن به تمام روایات شریعت (مذهب شیعه) ممکن خواهد بود.

توضیح: عالم بزرگ شیعه می‌گوید نمی‌توان در روایاتی که در کتب شیعه درباره اثبات تحریف قرآن آمده طعنه‌ای وارد ساخت زیرا طعنه زدن به آن‌ها طعنه زدن به شریعت شیعه می‌باشد.

نعمت الله جزائری یکی از علمای شیعه می‌گوید: اخبار دال بر تحریف قرآن بیشتر از دو هزار روایت است و گروهی مانند مفید و محقق داماد و علامه مجلسی ادعای وجود اجماع امامیه درباره آن را کردند.^۱ یعنی تشیع بر تحریف قرآن اجماع دارند. العیاذ باللله

حجت است. اما در مورد مستفیض آیت الله مامقانی می‌نویسد: مستفیض خبری است که راویان آن در هر طبقه زیاد باشند و اکثر علماء زائد بودن راویان از سه نفر را بیان کرده‌اند و برخی زیاد بودن راویان از دو نفر را پس هر حدیثی که بیش از سه راوی در هر طبقه داشته باشد مستفیض نام دارد.

شیخ مفید می‌گوید: اخبار از ائمه هدای آل محمد به طور مستفیض وارد شده که در قرآن اختلاف است و ظالمان آیه‌هایی از آن را حذف و آن را ناقص کرده‌اند.^۱

هاشم بحرانی (یکی از مفسران بزرگ شیعه) می‌گوید: بدان حقیقتی که در آن هیچ شکی نیست، این است که بر اساس اخبار متواتر آتی و غیره قرآنی که در میان ماست بعد از رسول خدا (ﷺ) در آن تغییراتی رخ داده و آن‌هایی که آن را جمع کرده‌اند کلمات و آیات زیادی را در آن تغییر داده‌اند.^۲

و فراتر از همه این اقوال، شیعه در تاریخ ننگین خود کتابی با همین عنوان و در اثبات تحریف قرآن دارد که پرده از چهره کریه این مذهب خبیث برداشته است زیرا این کتاب با نام فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب توسط یکی از بزرگترین علمای شیعه با نام نوری طبرسی نوشته شده است که پس از مرگش به خاطر عظمت و مقام بلندش بین تشیع در بقعه مبارکه نجف اشرف (نزد شیعه اشرف البقاع است) دفن شده و خمینی در کتاب‌هایش از وی به عنوان محدث و عالم بزرگ شیعه نام برده است. کتاب فصل الخطاب نوری طبرسی حقیقت کریه و باطل و کافر مذهب شیعه را به نمایش می‌گذارد و منافقان دین فروش را رسوا می‌کند و ادعای دروغین شیعیان که می‌گویند تحریف قرآن را قبول ندارند را باطل می‌کند. نوری طبرسی از علمای بزرگ متاخر شیعه است که در سال ۱۳۲۰ هـ ق از دنیا رفته است نوری طبرسی ملعون در کتابش که آن را (فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب) نامیده است با ارائه دلایل زیاد

^۱ - اوائل المقالات ص ۹۱

^۲ - مقدمه تفسیر برهان در تفسیر قرآن ص ۳۶

ثابت می‌کند اهل تشیع بر تحریف قرآن اجماع دارند کتاب فصل الخطاب دارای دو باب است:

اول: ادله تحریف قرآن (طبق مذهب کافر شیعه)

دوم: رد کسانی که تحریف قرآن را قبول ندارند

طبرسی در این کتاب هزاران روایت آورده است تا ثابت کند قرآن اصلی قرآنی نیست که در دست مسلمانان است بلکه این قرآن مورد تحریف قرار گرفته و قرآن اصلی را مهدی با خود می‌آورد، وی با تایید و توثیق روایات تحریف قرآن می‌گوید: بدان این روایات از کتب معتبری نقل شده است که در اثبات احکام شرعی و آثار نبوی مورد اعتماد اصحاب ما است.^۱

نوری طبرسی در خلال بحثی طولانی و بررسی دقیق اقوال علمای خود با نقل‌های موثق می‌نویسد قول به تحریف و تغییر قرآن و اعتقاد به ناقص بودن، عقیده علمای بزرگ و محققان شیعه است که مورد اعتماد و الگوی آن‌ها در دین هستند او پس از نامبردن بسیاری از علمای شیعه که قائل به تحریف بودند، پنج صفحه از کتاب را با اسامی آن علمای کافر پر کرده است.^۲

آخوندهای دروغگوی شیعه در برابر این روایات و اقوال علمای خود چه پاسخی دارند جز اینکه باز به نفاق خود ادامه دهند و دروغهای دیگری ساخته تا مردم را بفریبند.

در کنار این اقوال و روایات باید بگویم شیعه به هیچ صورت نمی‌تواند به این قرآن اعتقاد داشته باشد و این چندین دلیل دارد و عمده ترین آن دلائل به شرح ذیل می‌باشند:

^۱ - فصل الخطاب ۲۴۹.

^۲ - همان منبع ۲۵-۳۰.

اولا: قرآن کریم توسط اصحاب پیامبر جمع آوری شد و خلفای ثلاثه ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه و عثمان رضی الله عنه سهم بزرگی در جمع آوری قرآن داشتند و طبق اعتقاد شیعه اصحاب پیامبر و بویژه سه خلیفه پیامبر کافر و مرتد و منافق و غاصب و ظالم بودند پس چگونه شیعه می‌تواند به قرآنی اعتقاد داشته باشد که توسط چنین افرادی جمع آوری شده است.

و برای شیعیان دو راه وجود دارد یا اینکه از اعتقادات خود توبه کنند و به اصحاب پیامبر احترام بگذارند و آنان را مومن و مخلص بدانند و قرآن جمع آوری شده توسط آنان را بپذیرند یا به همان راه باطل و کفر و بغض اصحاب و انکار قرآن ادامه دهند و شیعه طبق تمام اصول و کتبش لعن بر اصحاب پیامبر را ثواب می‌داند پس هرگز نمی‌تواند به قرآنی که توسط اصحاب پیامبر جمع آوری شده است ایمان بیاورد.

دوما: بزرگترین اعتقاد شیعه و یکی از اصول دین شیعه امامت است اما در قرآن هیچ ذکری از این اصل شیعی نیست به همین خاطر علمای شیعه گفته‌اند قرآن تحریف شده است و در قرآن اصلی نام امامان بوده است پس الان یا شیعه عقیده امامت را بپذیرند که اصل دین شیعی است و قرآن را انکار کنند و یا به قرآن ایمان بیاورند و عقیده باطل و کافرانه امامت را انکار کنند اما شیعه همچنان به اصل امامت اعتقاد دارند و نمی‌توانند به قرآنی که هیچ یادی از امامت نکرده است ایمان داشته باشند.

سوما: شیعه اعتقاد دارد که اصحاب پیامبر منافق و زندق و کافر بودند اما قرآن اصحاب پیامبر را می‌ستاید و خوشنودی الله تعالی را از آنان اعلام می‌دارد الان شیعیان یا باید به قرآن ایمان بیاورند و اصحاب پیامبر را عادل بدانند و یا همچنان بر خلاف نصوص قرآنی اصحاب پیامبر را مورد لعن و طعن قرار دهند و شیعه راه دوم را انتخاب کرده است بنابر این شیعه نمی‌تواند به قرآنی اعتقاد داشته باشد که اصحاب پیامبر را بر خلاف عقیده

شیعیان توصیف می‌کند.

چهارما: شریعت و دین شیعی در اصول و فروع با نصوص قرآنی در تضاد است و اصول شیعی مانند امامت، عصمت، رجعت، بدا و... و فروع شیعی مانند احکام نماز و روزه و زکات و حج و نکاح و میراث مخالف با قرآن هستند و با یک نگاه به دین شیعی می‌توان تشخیص داد که این دین هیچ تناسبی با قرآن عظیم‌الشان ندارد لذا شیعیان یا باید از دین و مذهب باطل و کافر خود دست بردارند و به قرآن ایمان آورده مسلمان شوند و یا همچنان بر کفر خود و مخالفت بر قرآن برقرار مانند و قرآن را انکار کنند و جمع بین دین شیعی و قرآن عظیم ممکن نیست و دلائل دیگری هم وجود دارد که ثابت می‌کند فرقه شیعه به هیچ صورت نمی‌تواند به قرآن کریم ایمان داشته باشد و این بحث نیاز به تفصیل دارد.

اما علمای شیعه همیشه سعی کرده‌اند این عقیده باطل خود را مخفی نگه دارند و بر تقیه عمل کنند تا نزد خلائق رسوا نشوند و خصوصا در عصر حاضر که جهان به هم نزدیک شده است و علمای شیعه مشغول تبلیغ دین شیعی در جهان اسلام هستند با شدت عقیده تحریف قرآن را رد کرده‌اند و این فقط یک تقیه است زیرا اگر واقعا اعتقاد به تحریف قرآن ندارند در رسانه‌های خود تمامی علمای گذشته خود که قائل به تحریف قرآن بوده‌اند را تکفیر کنند و اعلام کنند: یعقوب کلینی و مجلسی و..... به خاطر اعتقادشان به تحریف قرآن کافر هستند و به این غائله پایان دهند اما این کار را نمی‌کنند و هرگز نمی‌توانند بکنند چرا که بنیانگذار این مذهب باطل همین آخوندهای کافر بوده‌اند و اگر آنان را کافر بگویند دیگر مذهبی بنام شیعه باقی نخواهد ماند و این ثابت می‌کند علمای شیعه همچنان معتقد به تحریف قرآن هستند و به خاطر نشر دعوت شیعی و از ترس اینکه رسوا شوند متوسل به تقیه می‌شوند و حقیقت را مخفی می‌کنند.

آن‌ها می‌دانند اگر الان بگویند قرآن اصلی این نیست همه مسلمانان جهان آنان را کافر خواهند گفت و گول تبلیغات مبلغان شیعه را نمی‌خورند و تبلیغ و تبشیر شیعی در جهان اسلام با مشکل مواجه خواهد شد.

وبرگزاری مراسم قرآنی و مسابقات قرآنی در راستای همان تبلیغ و تبشیر شیعی انجام می‌گیرد تا مسلمانان ساده لوح را فریب داده و خود را مدافع اسلام و مسلمانان معرفی نمایند با اینکه روایاتی از امامان معصوم نقل می‌کنند که آنان از شیعیان خواسته‌اند تا ظهور مهدی همین قرآن را بخوانند و الان این قرآن را می‌خوانند نه به خاطر اینکه کلام الله است بلکه به این جهت که امام معصوم دستور داده است تا ظهور مهدی همین قرآن را بخوانند و تدریس کنند.

کتابچه پیش رویتان مناظره جالبی در همین موضوع بین یکی از علمای بزرگ اهل سنت و یکی از آخوندهای بزرگ شیعه می‌باشد که حاوی مباحثی جالب در مورد اعتقاد شیعیان به تحریف قرآن می‌باشد و بنده آن را از زبان اردو به زبان فارسی برگردانده‌ام تا مورد استفاده فارسی زبانان قرار گیرد.

این کتابچه در اصل بخشی از مناظره سه روزه بین عالم سنی و آخوند شیعه می‌باشد که با طرح موضوع‌های مختلفی به مدت سه روز ادامه داشت و نتیجتاً حق روشن شد و باطل شکست خورد و مردم دانستند علمای شیعه جز دروغ و مکر و فریب چیزی دیگر در چنته ندارند.

مناظر مسلمانان مولانا محمد عبدالستار تونسوی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه دیوبند اسلامی در سال ۱۹۴۶ میلادی است که بنابر توصیه استاد بزگوارش شیخ العرب و العجم مولانا حسین احمد مدنی بعد از فراغت از تحصیل در دارالعلوم دیوبند، به شهر لکهنو رفت و از محضر امام اهل سنت و الجماعت مولانا عبدالشکور فاروقی لکهنوی کسب فیض نمود و در خدمت امام اهل سنت هند به تحقیق و مطالعه در مورد فرقه باطل شیعه پرداخت و

در این موضوع به تخصص دست یافت.

اما باز هم عطش علمی اش سیراب نشد و برای تحقیق بیشتر راهی نجف و کربلا و تهران شد و به تحقیق و مطالعه فرقه باطل شیعه ادامه داد و در دروس علمای بزرگ شیعه شرکت کرد و به کتاب‌هایی که در لکهنو دسترسی نداشت، دسترسی حاصل کرد و پس از سالها تحقیق و جستجو و مطالعه به کشورش پاکستان بازگشت و برای آگاه کردن مسلمانان از خطر تشیع سازمان اهل سنت پاکستان را تشکیل داد و به جهاد علیه شیعه و اعتقادات پوچ و باطل و کفرانه شیعه پرداخت و با تلاشهایش هزاران شیعه به اسلام بازگشته‌اند و مسلمانان از اعتقادات کفرانه تشیع آگاه شدند.

مولانا عبدالستار با صدها عالم بزرگ فرقه شیعه مناظره کرده است و به لطف الهی آن‌ها را شکست داده است تا جایی که علمای شیعه جرات مناظره با او را ندارند و از رویارویی با او می‌ترسند.

نکته‌ای را در آخر یادآوری می‌کنم و آن اینکه تمامی روایاتی که در کتب شیعه مبنی بر تحریف قرآن بیان شده است ساخته و پرداخته دشمنان اسلام و دکانداران مذهبی شیعه می‌باشند و روح بزرگان اهل بیت از این روایات بی‌خبر است و این روایات را ابلیس هائی همچون قمی و کلینی و مجلسی ساخته و به بزرگان و امامان اهل بیت نسبت داده‌اند تا افکار کفرانه و ملحدانه خود را ترویج دهند و در مناظره این روایات فقط به خاطر این بیان می‌گردد تا مردم بدانند شیعه در مورد قرآن چه عقیده‌ای دارند نه برای اینکه روایات تحریف قرآن حقیقتاً از امامان اهل بیت نقل شده‌اند و در حقیقت امامان اهل بیت از شیعه و خرافاتش و عقائد کفرانه این مذهب هزاران کیلومتر دورند و از چنین تهمت‌های ناروا و نازیبائی که به کتاب خدا و خود امامان زده می‌شود بیزارند.

از الله تعالی می‌خواهم این کوشش ناچیز بنده را به درگاهش بپذیرد و
امت اسلامی را از شر شیعیان محفوظ نگه دارد.

عبدالرئوف ریگی

۱۹ رمضان ۱۴۳۰

دیار هجرت

خوانندگان گرامی می‌توانند انتقادات، اشکالات و پیشنهادات خود را از
طریق ایمیل زیر با مترجم در میان بگذارند.

Abdulrauf.rigi@gmail.com

سخنی از گردآورنده کتاب

نحمده و نصلی علیه رسوله الکریم

چند نکته مفید

۱- عقیده تحریف قرآن (کم و زیاد شدن آیه‌های قرآنی) یکی از بنیادی‌ترین عقائد شیعه و همانند امامت و حتی فراتر از آن با روایات متواتر در کتب شیعه ثابت است.

۲- روایات تحریف قرآن در کتاب‌های معتبر شیعه بیش از دو هزار روایت می‌باشند و از روایات عقیده امامت هم بیشتر هستند.

۳- محدثین شیعه روایات تحریف قرآن را از امامان معصوم نقل کرده‌اند (اگرچه روح امامان اهل بیت از این روایات بی‌خبر بوده و امامان اهل بیت هیچ نسبتی با شیعه و عقائد پوچ و باطل آن ندارند و شیعیان کافر فقط به خاطر اینکه مسلمانان را فریب دهند خود را زیر عبای اهل بیت و ائمه مخفی کرده‌اند و در حقیقت امامان اهل بیت از چنین مذهبی بری و بیزار هستند. مترجم)

۴- به اعتقاد شیعه روایات تحریف قرآن متواتر و مشهور هستند همانگونه که به اعتقاد اهل سنت محفوظ بودن قرآن از هر شک و شبهه و تحریفی متواتر می‌باشد.

۵- طبق اعتراف علمای بزرگ شیعه این دو هزار روایت با صراحت کامل و بوضوح بر تحریف قرآن دلالت می‌کنند.

- ۶- شیعیان نمی‌توانند از کتاب‌های خود و به نقل از امامان معصوم یک روایت صحیح و صریح بر محفوظ و کامل بودن قرآن موجود ارائه دهند، گویا قرآن نزد تشیع به اندازه یک خبر واحد هم ارزش ندارد.
- ۷- تمامی مشایخ و علمای شیعه با استناد بر همین دو هزار روایت معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند و در کتاب‌هایشان این عقیده باطل خود را بیان کرده‌اند.
- ۸- روایات تحریف قرآن در کتاب‌های معتبر شیعه که دار و مدار مذهب شیعی بر آن کتاب‌هاست بیان شده است.
- ۹- در بین علمای شیعه فقط نام چهار نفر وجود دارد که از تحریف قرآن حمایت نکرده‌اند و آن چهار نفر عبارت هستند از شریف مرتضی و شیخ صدوق و ابوجعفر طوسی و ابوعلی طبرسی و دیگر علمای شیعه بالاتفاق معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند و رای این چهار نفر در برابر اقوال امامان معصوم معتبر نیست^۱ زیرا که غالباً این چهار نفر بنابر تقیه^۲،^۳ عقیده تحریف قرآن را پنهان کرده‌اند زیرا این چهار نفر

^۱ - فصل الخطاب ۲۴۹

^۲ - چنانچه نعمت الله الجزائری در بیان علت اینکه چرا این چهار نفر عقیده تحریف قرآن را بیان نکرده‌اند می‌نویسد: در این مورد مرتضی و صدوق و شیخ طبرسی مخالفت کرده‌اند و گفته‌اند: آن چه در میان دو جلد است قرآن است و بس، و در آن تغییر و تحریفی رخ نداده است... ظاهراً این گفته به خاطر مصلحت‌های زیادی و بنا بر تقیه بوده است (الانوار النعمانیه ۳۵۸/۲ - ۳۵۹) مترجم

^۳ - تقیه چیست: تقیه یعنی آنچه که به زبان آورده و اظهار کرده می‌شود با اعتقاد قلبی و باطنی شخص مغایر باشد و به عبارتی دیگر تقیه یعنی دروغ گفتن و فرقه شیعه تنها دینی در جهان است که دروغ در آن مشروع و حتی موجب اجر و پاداش است، شیعه تقیه را هم در شرایط سخت و دشوار و هم در شرایط معمولی و ایمنی و آسایش، چه با مسلمان باشد و چه با کفار جائز می‌دانند و تقیه اصلی از اصول فرقه شیعه می‌باشد

برای اثبات نظر خود هیچ روایتی از امامان معصوم خود نقل نکرده اند.

دوما: این چهار نفر هیچ پاسخی به دو هزار روایت تحریف قرآن که در کتاب‌های شیعه موجود هستند نداده‌اند و فقط گفته‌اند این روایات ضعیف هستند در صورتیکه هیچ دلیلی برای اثبات ادعای خود ارائه نداده‌اند. سوماً: تنها دلیلی که این چهار نفر برای محفوظ بودن قرآن ارائه داده‌اند اهتمام و تلاش و اخلاص و دیانت اصحاب پیامبر در جمع‌آوری قرآن می‌باشد و این خود نشانگر تقیه باز بودن این چهار نفر است زیرا فرقه شیعه اصحاب پیامبر را نعوذ بالله کافر و مرتد و فاسق و فاجر و منافق و دشمن اسلام و اهل بیت می‌داند پس چگونه قرآنی که توسط این افراد جمع‌آوری شده است معتبر است؟!

۱۰- اگر واقعا شیعیان اعتقادی به تحریف قرآن ندارند و قرآن را قبول دارند پس باید مانند اهل سنت کسانی که به قرآن طعنه زده و معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند را کافر بدانند در صورتیکه علمای شیعه این کار را نمی‌کنند و معتقدین به تحریف قرآن را امامان خود می‌دانند. ۱۱- شیعیان برای فرار از رسوائی و فضیحت به جای پذیرفتن حق و بازگشت به اسلام به مسلمانان حمله می‌کنند و با توسل به برخی روایات موضوع و مردود (مانند روایت معوذتین منسوب به ابن مسعود) و یا روایاتی در مورد آیه‌های منسوخ شده (مانند آیه رجم و آیه رضاعت) و یا روایات اختلاف قرائت‌ها می‌گویند این روایات در کتاب‌های اهل سنت موجود هستند و ثابت می‌کنند که قرآن نزد

و طبق عقیده شیعیان چنانچه کسی تقیه نکند بی دین است در اصول کافی ج ۲ ص ۲۱۷ و ۲۲۳ کلینی می‌نویسد امام جعفر صادق فرمود نه دهم دین در تقیه است و دین ندارد کسی که تقیه نکند. مترجم.

اهلسنت تحریف شده است در صورتیکه علمای اسلام با صراحت اعلان کرده‌اند این روایات یا بر نسخ دلالت می‌کنند و یا بر اختلاف قرائت و هیچ عالمی از علمای اهلسنت این روایات را بر تحریف حمل نکرده است اما در طرف مقابل امامان و علمای شیعه روایات تحریف قرآن را بیان کرده و با صراحت اعلام کرده‌اند آن روایات بر تحریف قرآن دلالت می‌کنند و طبق همان روایات معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند اما اهلسنت بالاتفاق گفته‌اند: هر کس به تحریف قرآن اعتقاد داشته باشد کافر و از دایره اسلام خارج است.

کتابچه پیش روی شما گزارش یک مناظره علمی در منطقه سرگانه ملتان است، در این منطقه قوم سرگانه که اکثریت آن مسلمان هستند زندگی می‌کنند و تعدادی از زمین داران این قوم شیعه هستند و به خاطر روابط فامیلی بین مسلمانان و شیعیان بحث و مناظره می‌شود و شیعیان که تعصب و افراط دارند از مسلمانان خواستند علمای خود را برای مناظره دعوت دهند و آنان هم علمای خود را دعوت خواهند داد چنانچه مردم مسلمان منطقه پذیرفتند و نمایندگان از هر دو گروه همراه با سید گلاب شاه از علمای شیعه ساکن ملتان به خدمت مولانا محمد علی جالندهری دبیر کل مجلس تحفظ ختم نبوت آمده و از ایشان تقاضا کردند یکی از علمای اهلسنت را برای مناظره با علمای شیعه اعزام نمایند و با پذیرفتن مولانا محمد علی شرایط مناظره تصویب شده و دو ماه پس از آن در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۵۶ میلادی علمای فریقین در منطقه سرگانه حاضر شده و تا سه روز مناظره بین فریقین در سه موضوع برگزار شد و با خیر و عافیت این مناظره پس از سه روز پایان یافت.

اسامی مناظره کنندگان و مدیران جلسه:

اهل سنت و جماعت

مناظر: مولانا عبدالستار تونسوی

مدیر: مولانا الله یارخان

معاون: علامه سید احمد شاه بخاری

مولانا محمد علی جالندهری و مولانا لال حسین هم در این جلسه حضور داشتند.

سرپرست: حاجی مهر شوق محمد سرگانه

اهل تشیع

مناظر: شیخ علامه محمد اسماعیل رئیس دارالتبلیغ گوجره

مدیر: شیخ امیر محمد قریشی

معاون: سید ضمیر الحسن، سید گلاب شاه ملتانی، شیخ مشتاق احمد،

شیخ سیف الله جعفری، شیخ غلام محمد محمودی

سرپرست: حق نواز سرگانه

موضوع مناظره: تحریف قرآن نزد فرقه شیعه^۱

^۱ - گرد آورنده: حافظ احمد مظفرگری شاگرد علامه عبدالستار تونسوی.

آغاز مناظره

مناظر اهل سنت مولانا عبدالستار تونسوی:

الحمد لله رب العلمين والعاقبة للمتقين والصلوة والسلام على محمد وعلى آله
وأصحابه أجمعين، أما بعد فأعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

سروران گرامی! کتابی را که خود الله تعالی حفاظت از آن را بر عهده
گرفته و آن حضرت ﷺ و اهل بیت آن حضرت و صحابه کرام با فداکاری و
اهدای جان خود آن را به ما رسانده‌اند مورد طعن شیعه قرار گرفته است و
شیعیان در مورد قرآن عظیم الشان می‌گویند ستون‌های کفر با آن برپا
داشته شده است و آیه‌هایی به آن افزوده شده و آیه‌هایی از آن حذف شده و
مورد تحریف قرار گرفته است و به پیامبر اسلام در قرآن اهانت شده است.

۱- این کتاب احتجاج طبرسی از کتب تشیع در دست من است که
روایتی از حضرت علی نقل کرده است: حضرت علی ﷺ در پاسخ یک
زندیق گفت: ثم دفعهم الاضطرار بورود المسائل عليهم عما لا يعلمون
تاويله الى جمعه و تالیفه و تضمينه من تلقائهم ما يقيمون به دعائم
كفرهم.^۱

ترجمه: سپس هنگامیکه از آنان (خلفای راشدین) مسائلی پرسیده شد
که آنان تاویل آن را نمی‌دانستند مجبور شدند آن را جمع آوری کنند و به

^۱ - احتجاج طبرسی صفحه ۱۳۷

آن چیزهائی از طرف خود بیافزایند که با آن ستون‌های کفرشان را برپا دارند.

خوب توجه داشته باشید از قول حضرت علی علیه السلام که در کتاب شیعه نقل شده است ثابت می‌شود: (العیاذبالله) با قرآن موجود ستون‌های کفر برپا داشته می‌شوند.

۲- تفسیر صافی روایتی نقل می‌کند. عن ابی جعفر علیه السلام لولا انه زید فی کتاب الله و نقص ما خفی حقنا علی ذی حجی^۱. ترجمه: امام ابو جعفر محمد باقر می‌گوید: اگر در قرآن زیاد و کم نمی‌شد حق ما بر هیچ عاقلی پنهان نمی‌ماند.

این روایت شیعه ثابت می‌کند قرآن مورد دستبرد قرار گرفته و کم و زیاد شده است.

۳- عن ابی عبدالله علیه السلام و من یطع الله و رسوله فی ولایة علی و الائمة من بعده فقد فاز فوزا عظیما هکذا نزلت^۲. ترجمه: از امام ابو عبدالله جعفر صادق روایت شده که آیه و من یطع الله و رسوله به این صورت نازل شده است: من یطع الله و رسوله فی ولایة علی و الائمة من بعده فقد فاز فوزا عظیما.

در صورتیکه در قرآن مسلمانان جمله فی ولایة علی و الائمة من بعده وجود ندارد پس به اعتقاد شیعیان قرآن مسلمانان تحریف شده است.

^۱- تفسیر صافی ص ۱۱

^۲- اصول کافی صفحه ۲۶۲

۴- احتجاج طبرسی از کتاب‌های معتبر شیعه روایتی نقل کرده است که حضرت علی علیه السلام به زندق گفت: انهم اثبتوا فی الکتاب ما لم یقله الله لیلبسه علی الخلیقة^۱

ترجمه: آنان (اصحاب پیامبر) به قرآن افزودند آنچه را که الله نگفته بود تا مخلوقات الله را فریب دهند. از این روایت معلوم می‌شود که جمع آوری کنندگان قرآن چیزهایی به قرآن افزودند که آن چیزها را الله تعالی بیان نکرده است.

۵- تفسیر صافی روایتی با این الفاظ نقل کرده است: و عنه علیه السلام انه قد طرح منه آی كثيرة و لم یزد فیہ الا حروف.^۲

ترجمه: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: آیه‌های زیادی از قرآن حذف شده است و به قرآن جز چند حرف افزوده نشده است. طبق این قول امام معصوم شیعیان آیه‌های زیادی از قرآن برداشته شده است.

۶- روایتی دیگر در کتاب فصل الخطاب بدین صورت نقل شده است: عن ابی ذر الغفاری انه لما توفی رسول الله علیه و سلم جمع علی علیه السلام القرآن و جاء به الی المهاجرین و الانصار و عرض علیهم لما قد اوصاه بذلک رسول الله صلی الله علیه و سلم فلما فتحه ابوبکر خرج فی اول صفحة فتحها فضائح القوم فوثب عمر فقال یا علی اردده فلا حاجة لنا فیہ فاخذہ علی علیه السلام وانصرف ثم احضر زید بن ثابت و کان قاریا

^۱- احتجاج طبرسی صفحه ۱۳۱

^۲- تفسیر صافی ص ۱۱

للقرآن فقال له عمر ان عليا جاءنا بالقرآن و فيه فضائح المهاجرين و الانصار و قد راينا ان نولف القرآن و نسقط ما كان فضيحة و هتكا للمهاجرين و الانصار فاجابه زيد الى ذلك.^۱

ترجمه: از ابوذر غفاری روایت شده: هنگامیکه پیامبر خدا ﷺ وفات کردند حضرت علی علیه السلام قرآن را جمع آوری نموده و آن را نزد مهاجرین و انصار آورد و طبق وصیت پیامبر ﷺ آن را به آنان عرضه نمود هنگامیکه حضرت ابوبکر صفحه اول آن را گشود معایب و نواقص اصحاب پیامبر را دید پس عمر به میدان آمد و گفت ای علی قرآن خود را ببر ما را نیازی به آن نیست سپس علی آن را برداشت و رفت و زید بن ثابت که قاری قرآن بود را طلبیدند و عمر به او گفت علی قرآن خود را برای ما آورد که در آن معایب مهاجرین و انصار بود لذا ما مناسب دیدیم قرآن را جمع آوری نمائیم و آنچه از معایب و نواقص مهاجرین و انصار است را حذف کنیم چنانچه زید بن ثابت این مسئولیت را پذیرفتند.

این روایت شیعیان با وضوح و صراحت ثابت می‌کند که حضرت علی علیه السلام دارای قرآن جداگانه و قرآنی به جز قرآن مسلمانان بود که در آن قرآن اصحاب پیامبر رسوا شده بودند و بدی‌ها و زشتی‌های اصحاب پیامبر در آن بیان شده بود در صورتیکه قرآن مسلمانان یاران و اصحاب پیامبر را می‌ستاید و از آنان به نیکی یاد می‌کند و الله از آنان اعلان خوشنودی می‌کند پس معلوم می‌شود که قرآن مسلمانان به اعتقاد شیعیان قرآنی تحریف شده و غیر واقعی و مخالف با قرآن علی علیه السلام می‌باشد.

^۱ - فصل الخطاب ص ۷.

۷- کتاب مرآة العقول شیعیان روایتی از جعفر صادق بدین شرح نقل کرده است: قال جعفر بن محمد الصادق اما والله لو قرئ القرآن كما انزل لقيتمونا فيه مسمين^۱.

ترجمه: جعفر صادق می گوید سوگند به خدا اگر قرآن همانگونه که نازل شد خوانده می شد شما نامهای ما را در قرآن می دیدید. طبق این روایت باید نامهای امامان شیعه در قرآن می بود اما در قرآن مسلمانان نام هیچ کدام از امامان شیعه وجود ندارد و قطعاً نزد شیعه قرآن تحریف شده است ورنه باید نام امامان در قرآن می بود.

۸- مقبول دهلوی از علمای بزرگ شیعه در کتابش روایتی نقل کرده است: که نزد امام محمد باقر علیه السلام آیه التائبون العابدون خوانده شد ایشان فرمودند اشتباه است و باید التائبین العابدین خوانده شود.^۲ این روایت نشان می دهد که طبق اعتقاد شیعه الفاظ قرآنی تغییر داده شده اند چون در قرآن مسلمانان التائبون العابدون است

۹- قمی در تفسیرش روایتی نقل می کند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: نزلت فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الی الرسول و الی اولی الامر منکم.^۳

در صورتیکه در قرآن مسلمانان لفظ و اولی الامر منکم وجود ندارد و این روایت ثابت می کند امام معصوم معتقد به نقص در قرآن بوده است.

^۱ - مرآة العقول جلد اول صفحه ۱۷۱

^۲ - ترجمه مقبول ص ۴۰۷

^۳ - تفسیر قمی ص ۱۲۹

۱۰- اصول کافی روایتی نقل کرده است که حضرت علی علیه السلام قرآن را جمع آوری نمود و نزد مهاجرین و انصار آورد اما آنان از قبول کردن قرآن علی علیه السلام ابا ورزیدند چنانچه امام علیه السلام فرمودند: سوگند به خدا که بعد از امروز قرآن را هرگز نخواهید دید.^۱

سروران عزیز، من ده قول از امامان معصوم شیعه و از کتاب‌های معتبر شیعه نقل کردم و اگر مناظر شیعه توان دارد به دلائل من پاسخ دهد و در ضمن از کتاب‌های معتبر شیعه یک روایت صحیح و صریح ارائه دهد که با وضوح دلالت کند بر اینکه قرآن مسلمانان قرآن اصلی است و هیچ تحریفی در آن رخ نداده است.

من در این مناظره با جرات کامل اعلام می‌کنم تمام علمای شیعه تا قیامت نمی‌توانند یک روایت صحیح^۲ از امامان معصوم ارائه دهند که آن روایت با صراحت بر عدم تحریف قرآن دلالت کند.

۱- اصول کافی ص ۶۷۱

۲- حدیث صحیح نزد تشیع به حدیثی گفته می‌شود که دارای دو ویژگی باشد: الف: تمامی سلسله‌ی سند آن تا معصوم متصل باشد. ب: راویان آن در تمام طبقات دارای دو ویژگی "وثاقت" و "دوازده امامی بودن" باشند. درایه شهید ص ۲۰. شیعیان چهار کتاب حدیث را معتبر می‌شناسند و این چهار کتاب منابع دست اول حدیث حساب میشوند. این چهار کتاب که به "کتب امهات شیعه" (کتاب‌های مادر شیعه) معروفند از این قرارند. اصول کافی - نوشته ابو جعفر محمد کلینی، من لایحضره الفقیه - نوشته ابن بابویه شیخ صدوق، تهذیب الاحکام - نوشته تالیف شیخ صدوق، استبصار - نوشته شیخ صدوق و در میان کتاب‌های شیعه اصول کافی معتبرترین و اصلی‌ترین منبع به شمار می‌آید که مولفش معتقد به تحریف قرآن بوده است. مترجم

مناظر شیعه

شیخ اسماعیل، بعد از خواندن خطبه:

ای مومنان، در قرآن مجید الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّا حُنَّ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾﴾.

ترجمه: «بی‌شک ما قرآن را نازل کرده ایم و بی‌شک ما محافظ آنیم». هنگامیکه خود الله محافظ قرآن است چه کسی جرات دارد در قرآن تحریف کند و یا آیه‌های آن را تغییر دهد؟

در برابر این نص قرآنی هیچ روایتی پذیرفته نمی‌شود و ما به تحریف قرآن اعتقاد نداریم چنانچه مولف تفسیر صافی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: من التحریف والتغییر والزیادة والنقصان.

لذا نزد ما شیعیان قرآن از تحریف و تغییر و زیادت و نقص مصون و محفوظ است و ما همین قرآن را می‌خوانیم و در نمازها تلاوت می‌کنیم و به آن ایمان داریم.

مولای ما امام علی علیه السلام می‌فرماید: إنا لم نحکم الرجال وإنما حکمنا القرآن وهذا القرآن إنها هو خط مسطور بین الدفتین.

ترجمه: ما مردان را حکم قرار ندادیم و به تحقیق که قرآن را حکم قرار دادیم و قرآن بین دو جلد نوشته شده است.^۱

مولای ما علی علیه السلام قرآن بین دو جلد را پذیرفته و ما شیعیان هم مانند مولای خود آن را می‌پذیریم.

^۱ - نهج البلاغة جلد دوم صفحه ۷

کتاب معروف و معتبر ما اصول کافی روایتی از پیامبر نقل کرده است که آنحضرت ﷺ فرمودند: فما وافق کتاب الله فخذوه وما خالف کتاب الله فدعوه.^۱ ترجمه: آنچه موافق کتاب الله است بدان عمل کنید و آنچه مخالف کتاب الله باشد از آن بپرهیزید.

قرآن نزد ما مقام و منزلتی بزرگ دارد و در برابر آن هیچ حدیث و روایتی را قبول نمی‌کنیم و فقط بر قرآن ایمان داریم. همچنین قرآن متواتر طبقاتی است و خبرهای واحد نمی‌توانند تحریف قرآن را ثابت کنند و تمام روایاتی که مولوی عبدالستار بیان کرد موضوع واشتباه هستند چون قرآن متواتر طبقاتی است و مولوی عبدالستار باید برای اثبات عقیده تحریف قرآن نزد اهل تشیع روایت متواتر ارائه دهد و روایاتی که درجه خبر واحد دارند نمی‌توانند تحریف نزد ما را ثابت کنند و مولوی عبدالستار با چنین روایاتی چگونه می‌تواند عقیده تحریف قرآن نزد تشیع را ثابت کند و اگر قرآن به عقیده ما تحریف شده بود و یا ستون‌های کفر با آن برپاداشته شده بود چرا ما آن را می‌خوانیم و در نمازها تلاوت می‌کنیم و به بچه‌های خود یاد می‌دهیم و در سخنانی‌ها با استناد از آن سخنرانی می‌کنیم؟

مناظر اهل سنت علامه عبدالستار

ایشان پس از خواندن خطبه فرمودند:

مناظر شیعه هرگز نمی‌تواند یک روایت صحیح و صریح از کتب معتبر شیعه ارائه دهد و با آن ثابت کند قرآنی که امروز در دست مسلمانان است تحریف نشده است و قرآن اصلی است.

^۱ - اصول کافی ص ۳۹

اما استدلال مناظر شیعه از آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَفِظُونَ﴾ [الحجر: ۹]. انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحفظون درست نیست
اولا چون اهل تشیع حق ندارند از این آیه قرآنی استدلال کنند زیرا نزد آنان
تمام قرآن مشکوک است و آنان به قرآن ایمان ندارند تا از قرآن استدلال
کنند لذا اولاً باید ایمان خود بر قرآن را ثابت کنند و بعد از آن می‌توانند از
آیه‌های قرآنی استدلال کنند و استدلال بدون اثبات ایمان بر قرآن مصادره
علی‌المطلوب است و ارزش استدلالی ندارد.

دوما این کلام خداوندی راست و حق است که حفظ قرآن بر عهده
پروردگار است و طبق این وعده تا قیامت هیچ حرفی از قرآن تغییر نخواهد
کرد و در این هیچ شکی وجود ندارد اما سوال این است که آیا فرقه شیعه
این وعده خداوندی را پذیرفته است و آیا شیعه به حقانیت این وعده الهی
ایمان داشته است؟ کتاب‌های این فرقه خلاف این را ثابت می‌کنند، زیرا
علمای شیعه بر خلاف این وعده خداوندی اعتقاد به تحریف و تغییر قرآن
داشته‌اند و این وعده پروردگار را تکذیب کرده‌اند، لذا شیخ باید ایمان بر این
وعده را از کتب و روایات شیعه ثابت کند.

شیخ بیچاره از کتاب‌های خود شیعه هم نا آگاه است و زحمت مطالعه
کتاب‌های شیعی را به خود نداده است زیرا شارح اصول کافی در کتابش
الصافی در جزو ششم در مورد آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُو لَحَفِظُونَ﴾
می‌نویسد: این آیه بر حفظ تمام قرآن دلالت نمی‌کند.

او در شرح این آیه چنین ادامه می‌دهد: حفظ قرآن دلالت بر این نمی‌کند که نزد همه کس محفوظ باشد چرا که می‌توان گفت قرآن نزد امام زمان و جمعی از رازداران او محفوظ است.^۱

آقای شیخ اسماعیل با وجود چنین عباراتی از علمای خود با چه روئی از این آیه کریمه استدلال می‌کند و اصلاً با چه روئی این آیه را می‌خواند؟

اما عبارتی که مناظر شیعه از تفسیر صافی در تفسیر آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۹ نقل کرد که: من التحریف و التغير و الزيادة و النقصان شرح واقعی کلام خداوندی است و شکی در آن نیست و حقیقتاً خداوند قرآن را از هر نقص و زیادتی و از هرگونه تحریف و تغییری مصون و محفوظ نگه داشته است اما سوال کما کان باقی است که شیعه در این باره چه عقیده‌ای دارد؟

همین مفسر (صاحب تفسیر صافی) که آیه را چنین شرح داده است در جایی دیگر می‌گوید از روایات امامان اهل بیت ثابت می‌شود قرآن تحریف شده است و همه مشائخ و علمای ما چنین عقیده‌ای داشته‌اند و تناقض بین آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۹ را بدین صورت حل می‌کند که قرآن موجود در دست مسلمانان تحریف شده است و انا له لحفظون در باره قرآنی است که نزد امام مهدی و رازداران وی می‌باشد و آن قرآن اصلی و محفوظ از هر گونه تغییر و تحریف و زیادت و نقص است اما قرآن موجود تحریف شده است.

^۱ - صافی شرح کافی کتاب فضل القرآن جزو ششم ص ۷۶

من از قول امامان معصوم شیعه عقیده تحریف قرآن نزد تشیع را ثابت کردم و اگر آقای اسماعیل توان دارد یک روایت صحیح و صریح از امامان معصوم نشان دهد که قرآن تحریف نشده است.

استدلال مناظر شیعه از روایت نهج البلاغه هم درست نیست زیرا آن روایت تحریف نشدن قرآن را ثابت نمی‌کند، در آن روایت ذکری از تحریف نشدن قرآن نیست بلکه حضرت علی در پاسخ دشمنانش از خوارج می‌گوید من قرآن را حکم قرار دادم و هیچ اشاره‌ای هم در این روایت وجود ندارد که قرآن تحریف نشده است گاهی انسان در برابر دشمن و مخالف خود کتاب دیگران را حکم قرار می‌دهد مانند اینکه دو نفر مناظره می‌کنند یکی از دو مناظر به طرف مقابل خود می‌گوید من کتاب شما را حکم و قاضی قرار می‌دهم در صورتیکه آن کتاب را قبول ندارد.

در این روایت هم حضرت علی علیه السلام به مخالفان خود به صورت الزامی می‌گوید شما چرا به من اعتراض می‌کنید من که انسانی را حکم قرار نداده‌ام بلکه قرآن را حکم قرار داده‌ام و شما هم هیچ اعتراضی به قرآن ندارید.

لذا این روایت اشاره‌ای به تحریف نشدن قرآن ندارد و مناظر شیعه باید یک روایتی ارائه دهد که هم صحیح باشد و هم بر عدم تحریف قرآن با صراحت دلالت کند و این روایت صریح نیست همچنین ممکن است علی علیه السلام در این مورد تقیه کرده باشد زیرا شیعه معتقد به تقیه هستند.

و استدلال مناظر شیعه از روایت اصول کافی که آنچه موافق کتاب الله باشد را بپذیرید و از آنچه مخالف کتاب الله است بپرهیزید همچنین اشاره‌ای به تحریف نشدن قرآن نمی‌کند و این روایت به اعتقاد شیعیان متعلق به قرآن اصلی می‌باشد که نزد مهدی است و در این روایت هیچ ذکری از قرآن موجود در دست مسلمانان نیست و استدلال از این روایت درست نیست

چون ما در مورد قرآن موجود در دست مسلمانان است بحث می‌کنیم و مناظر شیعه در این باره روایتی بیان نکرد.

و روایات تحریف قرآن نزد تشیع متواتر هستند و اگر ما روایت فوق را قبول کنیم باز هم این خبر واحد است که در برابر انبار روایات متواتر تحریف قرآن ارزشی ندارد.

ملا باقر مجلسی در کتاب مرآة العقول می‌گوید:

و عندی ان الاخبار فی هذالباب متواترة معنی و طرح جمیعها یوجب رفع الاعتدال عن الاخبار راسا بل ظنی ان الاخبار فی هذا الباب لایقصر. عن اخبار الامامة فکیف یثبتونها بالخبر^۱.

ترجمه: نزد من روایات تحریف قرآن متواتر است و رد کردن این همه روایت به طور کلی اعتماد از روایات را سلب می‌کند و به نظر من روایات در مورد تحریف قرآن از روایات در مورد امامت کمتر نیست و اگر روایات تحریف قرآن را رد می‌کنند چگونه می‌توانند عقیده امامت را با روایات ثابت کنند؟

آقای اسماعیل می‌گوید روایات تحریف قرآن متواتر نیستند و این قول ملا باقر مجلسی از محدثین شیعه است که روایات تحریف قرآن نزد تشیع را متواتر می‌داند الآن باید آقای اسماعیل برای اثبات ادعای خود روایت متواتر ارائه دهد؛ اما من با استدلال از کتب شیعه می‌گوییم: قرآن نزد شیعه به اندازه یک حدیث و خبر واحد ارزش ندارد و روایات تحریف قرآن در کتب شیعه متواتر هستند و در تمام کتب شیعه یک روایت صحیح و صریح وجود ندارد که ثابت کند قرآن موجود در دست مسلمانان تحریف نشده است و همانگونه که نازل شده است کامل است و تحریفی در آن رخ نداده است

^۱ - مرآة العقول صفحه ۵۳۴

و ممکن نیست اهل تشیع به این قرآن ایمان بیاورند چون این قرآن توسط اصحاب پیامبر اسلام جمع آوری شده است و اصحاب پیامبر نزد شیعه کافر و منافق و غاصب بودند و قرآنی که توسط چنین افرادی جمع آوری شده باشد چگونه می تواند درست باشد.

اما چرا این قرآن را می خوانند و تفسیر می کنند و به بچه ها درس می دهند در حالی که به آن ایمان و اعتقاد ندارند؟

پاسخ این سوال را از زبان و قلم علمای شیعه بشنوید:

علامه مقبول دهلوی از علمای بزرگ شیعه و از مفسران نامدار در این باره چنین می گوید: از امام علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: خواندن قرآن به شکل اصلی و واقعی و همانگونه که بر پیامبر نازل شد حق مخصوص صاحب العصر امام زمان علیه السلام می باشد.^۱

این عالم شیعه در جایی دیگر از تفسیرش می گوید ما به خاطر حکم امام مجبوریم تغییراتی که منافقین در قرآن داده اند را به حال خود بگذاریم و عذاب تغییر دهندگان را کم نکنیم البته تا جائیکه ممکن باشد مردم را باخبر می کنیم و قرآن اصلی را امام زمان علیه السلام می آورد و آنگاه می توانیم قرآن را طوری بخوانیم که خداوند نازل کرده است.^{۲، ۳}

الان مشخص شد که شیعیان چرا قرآن را می خوانند، برای اینکه حکم امام است نه به خاطر اینکه کتاب خدا است.

^۱ - ترجمه مقبول صفحه ۱۰۶۷

^۲ - ترجمه مقبول صفحه ۴۷۹

^۳ - جالب است که ملعون مقبول دهلوی با این عقیده پلیدش باز هم قرآن مسلمانان را تفسیر کرده است و تفسیری قطور برای قرآن نوشته است و این نشان می دهد که شیعه با اینکه اعتقادی به این قرآن ندارند ولی باز هم به درس و تفسیر آن می پردازند تا مسلمانان را بفریبند و به امیال شیطانی خود دست یابند. مترجم

مناظر شیعه:

مردم ببینید در دست من کتاب نورالانوار اهل سنت است در صفحه ۷ آن نوشته شده است: اما الكتاب فهو القرآن المنزل على الرسول عليه السلام المكتوب في المصاحف المنقول عنه نقلا متواترا بلا شبهة.

اعتراض مناظر اهل سنت:

مناظر شیعه به جای استدلال از کتب شیعه عبارتی از کتاب نورالانوار اهل سنت خواند که موجب اعتراض مولانا عبدالستار شد و مولانا اعتراض کرده گفتند: غالبا حواس مناظر شیعه پرت شده است و نمی‌داند چه می‌گوید و به جای ارائه دلیل از کتب شیعه عبارت کتاب اهل سنت را می‌خواند، او باید از کتاب‌های شیعه ثابت کند قرآن موجود قرآن اصلی و متواتر و قطعی است و من با یقین کامل می‌گویم تا قیامت هم نمی‌تواند چنین دلیلی ارائه دهد چرا که تحریف و تغییر قرآن نزد شیعه متواتر است. مناظر شیعه که از اعتراض مولانا عبدالستار خشمگین شده بود چند دقیقه کاملا در سکوت به سر برد و سپس به جای ارائه دلیل به سخنرانی پرداخت و گفت: الله تعالى می‌فرماید: ﴿الْم ۝ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ خداوند در این آیه با صراحت هر گونه شک و شبهه را از قرآن نفی می‌کند، بنابر این نباید در قرآن شک کرد.

سروران گرامی! قرآن متواتر است و در روایت متواتر در مورد راوی بحث نمی‌شود که کی باشد و چه عقیده‌ای داشته باشد و روایت متواتر فرق نمی‌کند توسط یهودی یا مسیحی و یا مسلمان و یا کافر روایت شده باشد در هر صورت معتبر است و شکی در صحت آن روایت باقی نمی‌ماند مانند اینکه ما با روایت متواتر با خبر شده ایم شهری با نام مکه و مدینه وجود دارد و ما به وجود این شهرها ایمان داریم و به بررسی عقیده و افکار کسانی

که به ما گفته‌اند شهرهائی با نام مکه و مدینه وجود دارند نمی‌پردازیم به همین صورت قرآن متواترا به ما رسیده است پس باید بدان ایمان بیاوریم و در مورد کسانی که قرآن را جمع آوری کرده‌اند و به ما منتقل کرده‌اند بحث نکنیم.

اما روایتی که مولوی عبدالستار بیان کردند طبق قول عالم شیعی علامه تقی مرسل و مقطوع هستند چنانچه علامی تقی در مقدمه تفسیر الاء الرحمن می‌نویسد: روایات فصل الخطاب مرسل و مقطوع هستند و راویان آن مجهولند.^۱

مناظر اهل سنت، علامه عبدالستار:

واقعا جای تعجب است اهل تشیع در مورد قرآنی که خداوند فرموده است لاریب فیه و مناظر شیعه هم همین آیه را می‌خواند می‌گویند غلط و اشتباه است و در آن تحریف شده و ستون‌های کفر در آن برپا داشته شده است و به پیامبر اسلام اهانت شده است.

مناظر شیعه سخنان پوچ و بیهوده‌ای در مورد تواتر و پذیرفتن روایت متواتر بدون بررسی راویان بیان نمود که نشان از فرار مناظر از حقیقت می‌باشد زیرا اگر قرار باشد هر روایت متواتری پذیرفته شود باید جناب مناظر سخن کفار مکه و دیگر کفار که پیامبر را دروغگو گفتند را بپذیرند زیرا تمام کفار طول تاریخ با تواتر این حرف را زده‌اند لذا باید روایت متواتر آنان را هم بپذیرفت، همچنین جمع کثیری از مسیحیان اعتقاد دارند عیسی فرزند خداوند است و این عقیده متواترا از آن زمان تا زمان ما نقل شده است پس جناب مناظر این تواتر را بپذیرند، همچنین یهودیان به مادر عیسی مریم

^۱ - تفسیر الاء الرحمن صفحه ۲۵

طاهره تهمت زدند و این تهمت با نقل متواتر از یهودیان ثابت است و طبق استدلال پوچ آقای اسماعیل شیعیان این تهمت را باید بپذیرند.

و آیا تشیع خلافت بلافصل صدیق اکبر ابوبکر[ؓ] را که با نقل متواتر از زمان صحابه تا به امروز ثابت است را می‌پذیرند؟ طبق استدلال شیخ اسماعیل باید شیعیان خلافت بلافصل ابوبکر صدیق[ؓ] را بپذیرند زیرا همانطور که اصحاب پیامبر بر قرآن اجماع کرده‌اند بر خلافت بلافصل صدیق اکبر[ؓ] هم اجماع صحابه ثابت است و این اجماع متواتر ثابت است.

آقای شیخ اسماعیل اگر بنابر متواتر بودن قرآن را می‌پذیرید پس طبق همین نظریه خلافت بلافصل صدیق اکبر ابوبکر[ؓ] را هم بپذیرید و به تمام اختلافات خاتمه دهید.

اما چرا خبر متواتر در مورد وجود شهر مکه و مدینه پذیرفته شده است دلیلش اعتماد بر صداقت و راستگویی راویان می‌باشد و اگر یک گروه دروغگو بگویند فلان شهر وجود دارد حرف آن‌ها اعتبار ندارد و قبول نمی‌شود پس تواتر دروغگویان هیچ چیز را ثابت نمی‌کند.

الان شیعیان باید پاسخ دهند چگونه بر قرآن اعتماد دارند در صورتیکه اولین راویان قرآن کریم اصحاب پیامبر بودند که به زعم و اعتقاد باطل شیعه همه (العیاذبالله) دروغگو و منافق و مرتد و زندیق بودند.

روایت چنین جماعت و گروهی به هیچ صورت قابل قبول نمی‌باشد و به همین خاطر شیعه نمی‌تواند به این قرآن ایمان داشته باشد.

مناظر شیعه:

کتاب مرآة العقول تحریف قرآن را معنا متواتر گفته است اما آنچه مولوی عبدالستار مبنی بر زیادت و نقصان بیان می‌کند درست نیست زیرا مولای ما علی می‌فرماید: فالقرآن خط مسطور بین الدفتین

ترجمه: قرآن بین دو جلد نوشته شده است.
 و همچنین استدلال عبدالستار از روایت احتجاج طبرسی و پاسخ دادن
 امام علی به زندیق درست نیست زیرا این روایت زندیق است و روایت زندیق
 ارزش و اعتباری ندارد.
 و آن چیزهایی که در قرآن امام علی وجود داشت و صحابه حذف کردند
 آیه‌های منسوخ شده و همچنین نکات تفسیری بود.

مناظر اهل سنت:

الحمدلله شیخ اسماعیل قبول کرد که روایات تحریف قرآن نزد شیعیان
 معنی متواتر هستند ولی باز می‌گوید که زیادت و نقص صورت نگرفته است!
 اصلا تحریف چیست؟
 کتاب معتبر شیعه احتجاج طبرسی روایتی از حضرت علی روایت می‌کند
 که ایشان فرمودند: زادوا فیه ما ظهر تناکره و تنافره^۱
 ترجمه: آنان (اصحاب پیامبر) چیزهایی به قرآن افزودند که زشت بودن و
 منفور بودن آن روشن بود.
 تفسیر صافی روایت می‌کند: لولا انه زید و نقص فی القرآن ما خفی حقنا
 علی ذی حجی^۲.
 ترجمه: اگر در قرآن زیاد و کم نمی‌شد حق ما بر هیچ خردمندی مخفی
 نمی‌ماند.
 آقای اسماعیل آیا این حرفها را من از جیب خودم می‌زنم یا اقوال
 امامان معصوم است که در کتابهای معتبر شما بیان شده است؟

^۱ - احتجاج طبرسی صفحه ۱۴۰

^۲ - تفسیر صافی صفحه ۱۱

اما روایت نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام که فرمودند قرآن بین دو جلد نوشته شده است هیچ اشاره‌ای به قرآن موجود در دست مسلمانان ندارد و طبق اعتقاد علمای بزرگ شیعه این قول حضرت علی علیه السلام در باره قرآن اصلی است که امام زمان مهدی با خود می‌آورد اما قرآنی که در دست مسلمانان است طبق روایت شیعیان از حضرت علی علیه السلام تحریف شده است و ستون‌های کفر با آن بر پاداشته شده است و به پیامبر اسلام در آن اهانت روا داشته شده است و نام منافقین از آن برداشته شده است.

برای من مایه حیرت است شیخ اسماعیل که از علمای بزرگ شیعه است چه حرف‌های جاهلانه‌ای بر زبان می‌آورد و در باره روایتی که حضرت علی به زندیق پاسخ داد می‌گوید این روایت زندیق است و روایت زندیق اعتبار ندارد؛ من به سمع مناظر می‌رسانم اولاً راوی این روایت زندیق نیست و راوی روایت می‌کند که یک زندیق از حضرت علی سوال کرد و آن حضرت به زندیق پاسخ دادند و اگر راوی زندیق می‌بود

روایت ارزش خود را از دست می‌داد، در صورتیکه اینجا سوال کننده زندیق و پاسخ دهنده حضرت علی علیه السلام می‌باشد که نزد شیعیان امام معصوم است و روایت کننده یاران علی هستند و مولف احتجاج طبرسی می‌گوید من نام راویان را در کتاب به این جهت ذکر نکرده‌ام که بر این روایات اجماع شده و یا موافق با عقل بوده‌اند و یا مشهور بوده‌اند.^۱

و اگر این روایت از زندیق می‌بود و بی اعتبار می‌بود چگونه علامه طبرسی شیعی آن را در کتابش احتجاج طبرسی نقل کرده و تأیید و توثیق نموده است.

^۱ - احتجاج طبرسی ص ۲

شیخ اسماعیل با کدام دلیل سخن امام معصوم را روایت زندیق قرار داده و نفی می‌کند.

دوما در آخر روایت آمده است آن زندیق از سخنان حضرت علی قانع شد و به بزرگی و امامت حضرت علی اعتراف نمود و اگر خودش هم این سخنان را روایت می‌کرد باز هم پذیرفته می‌شد.

جناب شیخ اسماعیل به هوش باش که تو در برابر شاگرد امام بزرگوار علامه عبدالشکور لکهنوی قرار داری و در جنگل روضه خوانی نمی‌کنی و بفهم چه بر زبان می‌آوری.

آقای اسماعیل باز با ارائه سخنان بی ارزش و پوچ می‌خواهد قرآن حضرت علی که در کتب شیعه مذکور است را انکار نماید و می‌گوید

قرآنی را که حضرت علی علیه السلام به صحابه عرضه نمود و صحابه آن را انکار کردند و از پذیرفتن آن خوداری نمودند فقط آیه‌های منسوخ و نکات تفسیری بیشتری داشت و به همین خاطر صحابه آن را نپذیرفتند و آن آیه‌های منسوخ شده و نکات تفسیری را حذف کردند!!!

جناب آقای شیخ اسماعیل شما فرق بین تحریف و نسخ را نمی‌دانید؟ حذف کردن آیه‌های منسوخ شده و نکات تفسیری از قرآن تحریف نامیده نمی‌شود زیرا تحریف عبارت است از کم و یا زیاد کردن قرآن توسط انسان و نسخ مخصوص خداوند است و به بندگان و انسان‌ها ربطی ندارد و نکات تفسیری به هیچ وجه جزو قرآن نبودند که برداشتن آن‌ها تحریف نامیده شود زیرا تحریف عبارت از تغییر و کم و زیاد کردن آیه‌های قرآنی است و هیچ ارتباطی با نکات تفسیری ندارد.

و روایات شما نمی‌گویند نسخ شده است و یا نکات تفسیری برداشته شده‌اند بلکه تمام روایات شما شیعیان به نقل متواتر می‌گویند قرآن کریم تحریف شده است.

خودتان کمی بیاندیشید! امام معصوم شما می‌گوید در قرآن موجود ستون‌های کفر برپاداشته شدند و به پیامبر اسلام اهانت شده است، الان سوال من از شما این است آیا با برداشتن آیه‌های منسوخ شده و نکات تفسیری ستون کفر برپا می‌شود و به پیامبر اهانت می‌شود. آقای اسماعیل چرا به این در و آن در می‌زنی لطف کن یک روایت صحیح و صریح به ما نشان ده که قرآن مسلمانان را در اعتقاد شیعه کامل و غیر تحریف شده ثابت کند.

روایات تحریف در کتب شیعه

۱. مقبول دهلوی به نقل از تفسیر عیاشی روایتی بیان می‌کند که امام معصوم جعفر صادق علیه السلام فرمودند آیه‌های بی شماری از قرآن حذف شده است و بدان اضافه نشده مگر حروفی^۱
۲. مقبول دهلوی به نقل از اصول کافی روایتی نقل کردند که نزد امام معصوم جعفر صادق علیه السلام آیه ﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ تلاوت شد ایشان
۳. فرمودند در اصل به جای لفظ المومنون لفظ المامونون بود.^۲ گویا لفظ قرآنی به اعتقاد تشیع تغییر داده شده است.
۴. مقبول دهلوی روایتی نقل کرده است که امام معصوم جعفر صادق علیه السلام در مورد آیه کنتم خیر امة اخرجت للناس فرمودند این آیه

^۱ - ترجمه مقبول ص ۳۳

^۲ - ترجمه مقبول ص ۴۰۴

در اصل این گونه نازل شده است: انتم خیرائمه و امام صادق خیر امة را به شدت رد کرد.^۱
 آقای اسماعیل به این اقوال امامان معصوم پاسخ دهند.

مناظر شیعه:

مولوی عبدالستار چندین بار از من خواستند یک روایت صحیح بر کامل بودن قرآن نزد تشیع ارائه دهم؛ الان به من گوش دهید من یک روایت صریح بر کامل بودن قرآن بیان می‌کنم، مولای ما علی علیه السلام فرمودند: کله القرآن و سپس فرمودند ان اخذتم بها فیه نجوتم من النار و دخلتم الجنة فان فیه حجتنا و بیان حقنا و فرض طاعتنا..

ترجمه: اگر به قرآن چنگ زنید از جهنم نجات می‌یابید و به بهشت می‌روید زیرا در آن قرآن حجت ماست و حق ما بیان شده است و اطاعت ما فرض قرار داده شده است.

سروران ببینید حضرت امیر قرآن را موجب نجات می‌داند، از این روایت معلوم می‌شود که قرآن به اعتقاد حضرت امیر کامل بوده است زیرا اگر قرآن کامل نمی‌بود حضرت امیر آن را نجات دهنده نمی‌فرمودند.

همچنین لفظ ما در این روایت (ان اخذتم بها) موصوله است که بر استغراق دلالت می‌کند و ثابت می‌شود همین قرآن کتاب کامل خداوندی است.

الان عالم بودن مولوی عبدالستار روشن می‌شود که چند بار از من تقاضا کردند یک روایت بر اثبات عدم تحریف قرآن ارائه دهم و من روایتی از امام معصوم مولا علی علیه السلام بیان کردم که به روشنی و وضوح بر کامل بودن قرآن

^۱ - ترجمه مقبول ص ۱۲۵

دلالت می‌کند، الان ببینم مولوی عبدالستار چه جوابی برای این روایت صریح دارد.

(آقای اسماعیل که فکر می‌کرد در جنگل روضه می‌خواند صد بار همین یک روایت را تکرار کرد و سر و صدا نمود و گفت من می‌خواهم جواب مولوی عبدالستار را بر این روایت بشنوم و فکر می‌کرد شاهکاری کرده است که هیچ جوابی ندارد.) گرد آورنده

مناظر اهل سنت

سبحان الله

شیخ اسماعیل پس از اینکه چندین بار از ایشان تقاضای یک روایت صحیح و صریح از کتاب‌های شیعه مبنی بر عدم تحریف کردم یک روایت بیان نمود اما متأسفانه در بیان روایت خیانت نموده و راه دروغ و قطع و برید را در پیش گرفت.

این کتاب احتجاج طبرسی در دست من است در آن روایتی بیان شده است که مناظر محترم ما در بیان آن مرتکب خیانت شد طبرسی در این روایت می‌گوید: حضرت طلحه رضی الله عنه فرمودند کله القرآن و این کلمه حضرت طلحه است نه گفتار علی آنطور که مناظر شیعه بیان نمود.^۱ واقعا باید بر چنین خیانت و دروغگوئی تاسف خورد.

طبرسی این روایت را چنین بیان کرده است: علی رضی الله عنه از طلحه پرسید: به من بگو آیا آنچه ابوبکر و عمر و عثمان نوشته‌اند تماما قرآن است یا در آن چیزهایی جز قرآن وجود دارد؟ طلحه رضی الله عنه در پاسخ فرمودند تمام آن قرآن است.

^۱ - احتجاج طبرسی ص ۷۷

الان آقای اسماعیل به حاضرین بگویند در کجای این روایت حضرت علی گفتند تمام آن قرآن است؟

اما در مورد جزو دیگر روایت که حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: ان اخذتم بما فيه نجوت من النار و دخلتم الجنة خود علمای شیعه توضیح داده‌اند و ملا خلیل قزوینی در کتاب صافی شرح کافی جزو ششم می‌نویسد:

خشم مناظر شیعه از شرح ملا خلیل قزوینی

هنوز مولانا عبدالستار عبارت ملا خلیل قزوینی را در مورد روایت فوق نخوانده بود که شیخ اسماعیل نتوانست عصبانیت خود را مخفی دارد و گفت آقای مولوی عبدالستار ما توضیح ملا خلیل قزوینی را در مورد روایت نمی‌پذیریم و خودت روایت را تشریح کن.

مولانا عبدالستار در پاسخ فرمودند حرف من بر شما حجت نیست و شما حرف‌های من را قبول نمی‌کنید چون من مخالف شما هستم و این روایت در کتاب‌های شما بیان شده است و بهتر است برای تشریح آن به علمای شما مراجعه کنیم.

شما چرا از کتاب‌های خود و از سخنان علمای خود می‌ترسید و نمی‌خواهید مردم از عقائد و نوشتارهای علمای شما با خبر شوند؟

بهتر است به تشریح ملا خلیل قزوینی گوش دهید، ایشان در تشریح روایتی که شیخ اسماعیل از آن استدلال کردند می‌نویسند: مراد این است که با وجود حذف آیه‌های قرآنی و اختلاف در قرائت آن قدر باقی مانده که صراحتاً امامت اهل‌بیت معصومین را ثابت کند.^۱

^۱ - صافی شرح اصول کافی جلد ششم ص ۷۶.

ملا خلیل از این روایت چنین برداشت نمی‌کند که قرآن کامل است و در آن تحریفی انجام نگرفته است و پافشاری می‌کند که قرآن مورد تحریف قرار گرفته است و صراحتاً می‌گوید با اینکه آیه‌های از قرآن حذف شده است. اما این حرف مناظر شیعه که لفظ ما در روایت موصوله است جهل و نادانی مناظر را ثابت می‌کند!!!

من از ایشان می‌پرسم آیا لفظ ما در آیه ﴿يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ را استغراقیه می‌دانند؟

و اگر لفظ ما را استغراقیه بپذیریم باز هم طبق تشریح علمای شیعه این روایت چنین معنی می‌شود: اگر عمل کنید بر هر آنچه در قرآن است نجات می‌یابید.

گویا قرآن کامل نیست اما باز هم اگر بر همین قرآن ناقص عمل کنید نجات می‌یابید و این دقیقاً همان تشریحی است که ملا خلیل قزوینی بیان کرده است.

مناظر با کدام دلیل می‌تواند از این روایت بر کامل بودن قرآن استدلال نماید در صورتیکه علمای شیعه گفته‌اند این روایت بر تحریف قرآن دلالت می‌کند.

روایات تحریف قرآن در کتب شیعه

۱- کلینی در اصول کافی روایتی نقل می‌کند: نزل جبریل بهذه الآیة علی محمد صلی الله علیه و سلم هکذا ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فی علی فاتوا بسورة من مثله^۱.

ترجمه: جبرئیل آیه ان کنتم فی ریب را چنین بر پیامبر نازل کرد: ﴿وَإِنْ

^۱ - اصول کافی ص ۲۶۳.

كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ ۗ

در قرآن مسلمانان لفظ فی علی وجود ندارد و نشان می‌دهد شیعه به تحریف شدن قرآن و حذف کردن لفظ فی علی از این آیه کریمه اعتقاد دارند.

۲- مقبول دهلوی روایتی از جعفر صادق نقل می‌کنند که: امام جعفر

صادق علیه السلام فرمودند: قال الله تعالى لقد جاءكم رسول من انفسنا عزيز

عليه ما عنتنا حريص علينا بالمؤمنين روف رحيم.

در صورتیکه این آیه در قرآن مسلمانان چنین است: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ

رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿۱۲۸﴾. این روایت ثابت می‌کند امام معصوم شیعیان اعتقاد به

تغییر و تحریف الفاظ قرآنی داشته است.

مناظر شیعه:

روایاتی که مولوی عبدالستار بیان می‌کند نزد ما شیعیان ضعیف هستند و

مولوی عبدالستار روایات مقبول دهلوی را بیان می‌کند در صورتیکه من از

مقبول دهلوی بیشتر علم دارم و حرف چنین فردی بر ما حجت و دلیل

نمی‌شود و روایات اصول کافی ضعیف هستند و با ارائه چنین روایات ضعیفی

نمی‌توان عقیده‌ای را ثابت نمود.

مناظر شیعه که دلیلی بر عدم تحریف قرآن از کتب شیعه نداشت و

پاسخی در برابر استدلالهای مستحکم مولانا عبدالستار نداشت از موضوع

خارج شد و به سخنرانی پرداخت تا وقتش را پر کند.

مناظر اهل سنت:

اگر روایات تحریف قرآن نزد تشیع ضعیف هستند ایشان لطف کنند

روایات صحیح تحریف نشدن قرآن را بیان کنند تا ما مسلمانان بدانیم واقعا

تشیع بر قرآن ایمان دارند.

اگر کتاب مقبول دهلوی ضعیف و بی اعتبار است چرا علمای بزرگ و مجتهدین شیعه این کتاب را تأیید کرده‌اند و در تأیید آن نوشته‌اند: اگر می‌خواهید قرآن را به زبان اردو بخوانید ترجمه مقبول را بخوانید و علمای شیعه گفته‌اند ترجمه مقبول تفسیر اهل بیت است.

آیا علم مجتهدین شیعه امثال سید کلب حسین مجتهد و سید محمد دهلوی و احمد علی لکهنوی از علم شما کمتر است؟

دوما: روایاتی که من از ترجمه مقبول نقل کردم سخنان و یا روایات مقبول دهلوی نیستند بلکه اقوال امامان معصوم شیعه هستند و مقبول دهلوی از کتب معتبر شیعه نقل کرده است.

اگر روایات اصول کافی ضعیف هستند چرا امام مهدی اصول کافی را تأیید کرده است و گفته است هذا کاف لشیعتنا (این کتاب برای شیعیان ما کافی است) و این گفتار مهدی بر صفحه اول اصول کافی نوشته شده است.

اگر روایات تحریف ضعیف می‌بودند چرا بزرگترین مشایخ و علمای شیعه معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند؟

در تفسیر صافی نوشته شده است: و اما اعتقاد مشایخنا فی ذلک فالظاهر من ثقة الاسلام محمد یعقوب الکلینی انه کان یعتقد التحریف و النقصان فی القرآن و کذلک استاذہ علی بن ابراهیم القمی فان تفسیره مملو منه و کذلک الشیخ احمد بن ابی طالب الطبرسی فانه ایضا نسخ علی منوالهما فی الاحتجاج^۱.

ترجمه: اعتقاد مشایخ ما در باره قرآن این است که محمد یعقوب کلینی معتقد به تحریف و نقص در قرآن بوده است و همچنین استادش علی بن

^۱ - تفسر صافی ص ۱۴

ابراهیم قمی به تحریف قرآن معتقد بود زیرا تفسیرش پر از آن است و همچنین شیخ احمد بن ابی طالب طبرسی مانند آن دو معتقد به تحریف قرآن بود.

اگر روایات تحریف قرآن ضعیف هستند پس چرا این علمای بزرگ شیعه معتقد به تحریف قرآن بوده اند.

۱- کلینی در کتابش اصول کافی روایت می‌کند: عن ابی جعفر قال نزل

جبریل بهذه الایة علی محمد صلی الله علیه و سلم هكذا فبدل الذین

ظلموا آل محمد قولاً غیر الذی قیل لهم فانزلنا علی الذین ظلموا آل محمد

حقهم رجلاً من السماء بما كانوا یفسقون.^۱

در این روایت کلماتی به آیه قرآن افزود شده است گویا امام باقر اعتقاد داشته است در قرآن تحریف صورت گرفته است و لفظ آل محمد حقهم از قرآن حذف شده است زیرا در قرآن مسلمانان این کلمات وجود ندارند.

۲- مقبول دهلوی روایتی نقل می‌کند که امام جعفر صادق علیه السلام

فرمودند سوگند به الله این آیه چنین نازل شد: . لقد عهدنا الی آدم

من قبل کلمات فی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و الائمة من

ذریتهم..^۲

و در قرآن مسلمانان: کلمات فی محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و

الائمة من ذریتهم.. وجود ندارند و آیه این طور است: و لقد عهدنا الی آدم من

^۱ - اصول کافی ص ۲۲۷

^۲ - ترجمه مقبول ص ۶۳۷

قبل فَنسی، لذا طبق این روایت الفاظی از قرآن کریم حذف شده‌اند و قرآن کریم مورد تحریف قرار گرفته است.

مناظر شیعه:

فالظاهر من ثقة الاسلام... معنای این عبارت چنین است: به نظر علمای ظاهر بین محمد بن یعقوب کلینی معتقد به تحریف قرآن بودند.....
یعنی علمای ظاهر بین پنداشته‌اند کلینی به تحریف قرآن اعتقاد داشته است و علمای محقق ما چنین نظری نداشته‌اند.

علمای ظاهر بین با علمای محقق تفاوت دارند و نظر علمای ظاهر بین قابل قبول نیست و اما علمای محقق ما مانند شیخ صدوق و شریف مرتضی و ابوجعفر طوسی و ابوعلی طبرسی اعتقادی به تحریف قرآن نداشته‌اند و نزد ما قول همین چهار عالم معتبر است و قول دیگران اشتباه است.

مناظر شیعه به جای ارائه دادن روایتی از ائمه معصوم چندین بار از همین چهار نفر نام برد و گفت ما قول همین چهار نفر را قبول داریم در صورتیکه مولانا عبدالستار دهها دلیل از کتب شیعه برای اثبات عقیده کافرانه تحریف قرآن نزد تشیع ارائه داد و از مناظر شیعه تقاضا نمود فقط یک روایت صحیح و صریح ارائه دهد اما مناظر شیعه از ارائه یک روایت هم ناتوان بود.

مناظر اهل سنت:

سروران عزیزم!

فکر می‌کردم برای مناظره با من از علمای بزرگ لکهنو دعوت کرده‌اید اما اشتباه فکر کرده بودم چون مناظر شیعه حتی معنای عبارت عربی را نمی‌داند و اشتباه ترجمه می‌کند.

ایشان عبارت فالظاهر را ناشیانه و جاهلانه ترجمه کردند و گفتند معنای عبارت علمای ظاهر بین است، این بیچاره کتب مذهب خودش را هم نخوانده است و شاید وقتی برای مطالعه نصیبتش نشده است زیرا که این آخوندها فقط بلدند به همسران پیامبر و یاران پیامبر اهانت کنند و مجلس لعن برگزار کنند و وقت خود را در لعن اصحاب پیامبر می گذرانند.

بهتر است ترجمه عبارت فالظاهر را از کتابهای خود شیعه نقل کنم چنانچه مقبول دهلوی در ترجمه مقبول می نویسد: اما اعتقاد علمای بزرگ ما در این مورد: پس واضح است که ثقة الاسلام کلینی معتقد به تحریف و نقص در قرآن بوده است و همین طور استادش چنین اعتقادی داشتند زیرا تفسیرش مملو از این بحث است و...^۱

ببینید سروران عزیز علمای شیعه عبارت را طوری تشریح کردند که ما تشریح کرده بودیم و هیچ عالم شیعی فالظاهر را علمای ظاهر بین معنی نکرده است و این خود دلیل شکست مناظر شیعه است که به جای ارائه دلیل عبارت عربی را اشتباه و غلط ترجمه می کند.

در طول تاریخ شیعه فقط نام چهار نفر وجود دارد که سخن از تحریف قرآن نگفته اند و این چهار نفر هم بنابر تقیه عقیده تحریف قرآن را از مردم پنهان کرده اند و طبق قول علمای شیعه این چهار نفر هم قلبا به تحریف قرآن معتقد بوده اند.

دوما: قول این چهار نفر در برابر اقوال امامان معصوم و هزاران روایت ارزش و اعتباری ندارد، آقای شیخ اسماعیل شما را چه شده است که اقوال امامان معصوم را ترک کرده ای و دنبال غیر معصومین افتاده ای؟

^۱ - ترجمه مقبول دهلوی شیعه ص ۴۷.

به مردم می‌گوئید ما پیروان امامان معصوم هستیم و امروز سخن امامان معصوم را به دیوار می‌زنید و غیر معصومین را امام و مقتدای خود قرار می‌دهید؟

و آیات تحریف قرآن در کتب شیعه:

۱- در کتاب احتجاج طبرسی روایتی از حضرت علی نقل شده است که ایشان می‌فرمایند: والذی بدا فی الکتاب من الازرا علی النبی صلی الله علیه وسلم من فرقة الملحدین.^۱

ترجمه: آنچه در قرآن اهانت به پیامبر است ملحدین به قرآن افزوده‌اند (یعنی جمع آوری کنندگان قرآن)..

این قول امام معصوم است که می‌گوید ملحدین اهانت‌هایی به پیامبر اسلام در قرآن کریم افزوده‌اند، آیا شیخ صدوق و شریف مرتضی و غیره این اهانت‌ها را از قرآن حذف کرده‌اند یا آن اهانت‌ها همچنان در قرآن وجود دارد؟

۲- در تفسیر صافی روایت شده است: حضرت علی به یک شخص در مورد ربط دو آیه فرمودند: فهو ما قدمت ذکره من اسقاط المنافقین من القرآن بین القول فی الیتمی و بین نکاح النساء من الخطاب و القصص اکثر من ثلث القرآن.^۲

ترجمه: دلیل آن را قبلاً بیان کردم که منافقان از بین قول پروردگار فی الیتمی و فانکحوا آیه‌های زیادی از احکام و قصص را که به اندازه یک سوم قرآن بود حذف کرده‌اند (به همین خاطر آیه‌ها بی ربط شده‌اند)

^۱ - احتجاج طبرسی ص ۱۳۷.

^۲ - تفسیر صافی صفحه ۳۷.

قول آن چهار عالم شیعه زمانی معتبر می‌شود که برای اثبات قول خود از قول امام معصوم دلیلی داشته باشند و بدون دلیل از معصوم قول آنان پذیرفته نمی‌شود و ارزش استدلالی هم ندارد.

مناظر شیعه

عزیزان

مولوی عبدالستار چندین بار از من خواستند یک روایت صحیح برای اثبات تحریف نشدن قرآن ارائه دهم و من الان یک روایت از امام معصوم امام باقر ارائه می‌دهم تا پاسخی به تقاضای مکرر مولوی عبدالستار داده باشم. فروع کافی روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است که ایشان فرمودند: أقاموا حروفه وحرفوا حدوده^۱.

ترجمه: آنان حروف قرآن را برپا داشتند اما حدود قرآنی را زیر پا گذاشتند.

این قول امام باقر است و از این قول امام معصوم ثابت می‌شود که حروف قرآن تغییر نیافته‌اند و فقط احکام و حدود قرآن زیر پا گذاشته شدند. در برابر این قول امام معصوم تمام روایاتی که مولوی عبدالستار بیان نمود ضعیف هستند و اعتباری ندارند.

چنانچه مولف تفسیر صافی می‌نویسد مذهب صحیح ما تحریف قرآن را نمی‌پذیرد.^۲

ببینید مولف تفسیر صافی می‌گوید مذهب بزرگان ما این است که قرآن تحریف نشده است و می‌افزاید که دلیل تحریف نشدن قرآن اهتمام و توجه

^۱ - فروع کافی جلد سوم کتاب الروضة ص ۳۶

^۲ - تفسیر صافی ص ۱۴.

اصحاب پیامبر در جمع آوری قرآن می‌باشد زیرا اصحاب پیامبر در جمع آوری قرآن تلاشها و زحمات فراوانی متحمل شدند و قرآنی که با این همه زحمت و دقت و تلاش جمع آوری شده باشد ممکن نیست مورد تحریف قرار گرفته باشد.

جناب مولوی عبدالستار اگر علمای ما به قرآن ایمان نمی‌داشتند چرا چنین چیزهایی را در کتاب‌هایشان می‌نوشتند؟

مناظر اهل سنت:

روایتی که شیخ اسماعیل از کتاب فروع کافی نقل کرد مطلقا گفته است حروف قرآن را برپاداشتند و نامی از تمام قرآن و یا تمام آیه‌های قرآن در این روایت برده نشده است و در ادامه همین روایت امام محمد باقر در مورد امت‌های پیشین بعینه همین لفظ را به کار می‌برد و می‌گوید: «أقاموا حروفه و حرفوا حدوده» یعنی امت‌های پیشین (یهود و نصارا) حروف کتاب‌هایشان را برپاداشتند و بدون آن را زیر پا گذاشتند.

الان سوال از مناظر این است که آیا یهود و نصارا حروف کتاب‌هایشان را تغییر نداده‌اند و آیا طبق این قول امام محمد باقر می‌توان گفت کتاب یهود و کتاب نصارا مانند قرآن محفوظ هستند؟

اگر شما از این روایت بر تحریف نشدن قرآن استدلال می‌کنید پس یهود و نصارا می‌توانند از این روایت بر تحریف نشدن تورات و انجیل استدلال کنند زیرا همان الفاظی که برای قرآن در این روایت کاربرده شد است بعینه همان الفاظ برای کتب گذشته به کار برده شده است.

لذا استدلال از این روایت درست نیست.

اما قول مولف تفسیر صافی که می‌گوید مذهب صحیح ما عدم تحریف قرآن است بنا بر تقیه است و مخالف با اقوال امامان معصوم است و دلیلی

که مولف تفسیر صافی بر تحریف نشدن قرآن بیان می‌کند خود بیانگر تقیه بازی وی می‌باشد زیرا او می‌گوید قرآن محفوظ و کامل است و تحریف نشده است چون صحابه با تلاش و زحمت فراوان به جمع آوری آن اهتمام ورزیده اند؟!۱

آیا واقعا این استدلال درست است؟

آیا مولف تفسیر صافی راست می‌گوید؟

آیا این استدلال مولف تفسیر صافی نزد شیعیان ارزش دارد؟

خیر! هرگز

زیرا که فرقه شیعه تمامی یاران پیامبر خصوصا خلفای ثلاثه که قرآن را جمع آوری نمودند را کافر و فاسق و ظالم و غاصب می‌داند.

با این عقیده شیعه نسبت به اصحاب پیامبر چگونه می‌توان حرف مولف تفسیر صافی را پذیرفت و این جز تقیه و دروغ چیز دیگری نمی‌تواند باشد. آقای اسماعیل تو با تونسوی مناظره می‌کند و در جنگل روضه نمی‌خوانی، حرف دهانت را بسنج و بر زبان بیاور

روایات تحریف قرآن در کتب شیعه:

۱- اصول کافی روایت می‌کند: عن ابی عبدالله علیه السلام قال ان القرآن

الذی جاء به جبریل این محمد صلی الله علیه وسلم سبعة عشر الف آیه.^۱

ترجمه: جعفر صادق می‌گوید قرآنی که جبرئیل برای محمد آورد هفده هزار آیه داشت.

در این روایت امام معصوم می‌گوید قرآن هفده هزار آیه داشت در صورتیکه آیه‌های قرآن مسلمانان کمتر از هفت هزار آیه می‌باشد.

^۱ - اصول کافی ص ۶۷۱.

۲- احتجاج طبرسی از حضرت علی روایتی نقل می‌کند: لو شرح لک کل ما اسقط و حرف و بدل مما یجری هذالمجری و ظهر ما تحظر التقیة اظهاره.^۱

ترجمه: اگر من تمام آنچه را که از قرآن حذف شده و تحریف شده و تغییر داده شده و چیزهای دیگری که در این باب انجام گرفته است را بیان کنم خیلی طولانی می‌شود و آنچه را که آشکار شدنش را تقیه ممنوع کرده است آشکار می‌گردد.

مناظر شیعه:

سروران عزیز!

پیامبر خدا فرمودند: *ینی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی.*

من در میان شما دو چیز گذاشتم اول کتاب الله و دوم اهل بیت و این دو، تا حوض کوثر از همدیگر جدا نمی‌شوند.

پس نزد ما امامان معصوم اهل بیت برای هدایت و راهنمایی مسلمانان در هر زمانی جود دارند و زمین خدا از حجة الله خالی نمی‌شود و هنگامیکه اهل بیت وجود دارند پس یقیناً قرآن همراه آنان است و از آنان جدا نمی‌شود. شیخ صدوق در رساله اعتقادیه می‌گوید: اگر روایات تحریف را معتبر بدانیم اعتماد از قرآن برداشته می‌شود، لهذا روایات تحریف مردود هستند. اعتقاد ما هم دقیقاً همین طور است که روایات تحریف ضعیف هستند و ما همانگونه که اهل بیت را در هر زمانی موجود می‌دانیم قرآن را هم موجود و کامل می‌دانیم.

^۱ - احتجاج طبرسی. ۱۳۵.

مولوی عبدالستار با مشاهده روایات ضعیف در کتب شیعه دچار سوء تفاهم شده است و می‌گوید: شما به قرآن اعتقاد ندارید و از ما می‌خواهد ایمان خود را بر قرآن ثابت کنیم و یک روایت در این موضوع ارائه دهیم در صورتیکه من چندین روایت بیان کردم.

مناظر اهل سنت:

موجود بودن اهل بیت چه ارتباطی با تحریف نشدن قرآن دارد؟ و شیخ مناظر چگونه می‌خواهد با موجود بودن امامان ثابت کند قرآن تحریف نشده است؟ ما می‌گوییم: شیعه نه اهل بیت را قبول دارند و نه قرآن را، و از اهل بیت فقط یازده نفر را قبول کردند و دیگران را لعن کردند و پس از وفات یازدهمین امام با بحران نبود امام مواجه شدند و نمی‌دانستند چه کار کنند زیرا امام یازدهم فرزندی نداشت به همین خاطر برای او فرزندی ساختند و او را همراه با قرآن به غار فرستادند تا از شر دشمنان محفوظ بماند و الان شیعه نه امامی دارد و نه قرآنی و خود شیخ اسماعیل گفتند هر جا امام است همانجا قرآن است پس امام در غار است و قرآن هم همراه امام در غار است. و همین چیز را نویسندگان و علمای شیعه در کتاب‌هایشان نوشته‌اند، چنانچه در تفسیر صافی به این موضوع پرداخته شده است.^۱

من قبلاً گفتم و باز هم می‌گویم اگر روایات تحریف قرآن نزد شیعه ضعیف هستند پس چرا بزرگان و علمای شیعه معتقد به تحریف قرآن بودند و آیا بزرگان شیعه هم مثل من دچار سوء تفاهم شده بودند؟
الان من یک پیشنهاد دارم باید علمای شیعه حاضر در جلسه این پیشنهاد من را بپذیرند تا این مناظره خاتمه یابد.

^۱ - تفسیر صافی ص ۱۵.

اگر روایات تحریف قرآن ضعیف هستند و عقیده تحریف قرآن کفر است پس علماء و مشایخ شما شیعیان مانند یعقوب کلینی و علی بن ابراهیم قمی و طبرسی که معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند مسلمان هستند یا کافر؟

اگر واقعا و قلبا شما معتقد به تحریف قرآن نیستید و معتقدین به تحریف قرآن را کافر می‌دانید پس الان فتوای کفر علمای بزرگ خود را صادر کنید و ما حرف شما را قبول کرده و یقین می‌کنیم شما تحریف قرآن را قبول ندارید و ختم مناظره را اعلام خواهیم کرد.

(شیعه تا ابد نمی‌تواند علمای کافر خود را تکفیر کند زیرا همین علمای کافر بنیانگذار دین شیعی بوده‌اند و اگر آنان کافر دانسته شوند دیگر مذهبی بنام شیعه باقی نخواهد ماند). مترجم

سکوت علمای شیعه و فرار از موضوع

هنگامیکه مولانا عبدالستار این پیشنهاد را مطرح کردند رنگ از چهره علمای شیعه حاضر در جلسه پرید و مدیر مجلس شیعیان امیر محمد از جایش برخاست و گفت در این موضوع به اندازه کافی بحث شده و این موضوع را خاتمه دهید.

علامه تونسوی گفت فقط کافی است شما فتوای کفر علمائی که معتقد به تحریف قرآن بوده‌اند را صادر کنید و ما ختم مناظره را اعلام می‌کنیم؛ اما علمای شیعه که هیچ پاسخی نداشتند با شرمندگی سکوت پیشه کردند زیرا نمی‌توانستند فتوای کفر علمای خود را صادر کنند و همچنین نمی‌توانستند علمای خود را از این عقیده تبرئه کنند.

چنانچه مولانا عبدالستار گفتگو را ادامه داده و فرمودند: کتاب فصل الخطاب روایتی نقل کرده است: کان لأمر المومنین علیه السلام قرآنا مخصوصا جمعه بنفسه بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وسلم وعرض على القوم

فأعرضوا عنه فحجبه عن أعينهم وكان عند ولده عليه السلام يتوارثه إمام عن إمام كسائر خصائص الإمامة وخزائن النبوة وهو عند الحجة عجل فرجه يظهره للناس بعد ظهوره ويأمرهم بقوانينه وهو مخالف لهذا القرآن الموجود من حيث التاليف وترتيب السور والآيات بل الكلمات ومن جهة الزيادة والنقيصة^۱.

ترجمه: حضرت امیر المومنین (علی) قرآن مخصوصی داشت که خودش آن را پس از وفات پیامبر جمع آوری کرده بود و آن را بر قوم (اصحاب پیامبر) عرضه نمود اما آنان از آن قرآن روگردانی کردند و امیر آن را پنهان نمود و نزد فرزندانش بود و هر امامی آن را از امام قبلی مانند سایر ویژگی‌های امامت و خزائن نبوت به ارث می‌برد و آن قرآن نزد حجت (امام مهدی) عجل فرجه می‌باشد و آن را پس از ظهورش ظاهر می‌کند و به مردم دستور عمل کردن به قوانین آن را می‌دهد و آن قرآن در تالیف و ترتیب سوره‌ها و آیه‌ها و حتی کلمات و از جهت زیادت و نقصان با قرآن موجود تفاوت دارد.

ببینید سروران عزیز این اعتقاد شیعیان نسبت به قرآن است که در کتب شیعه با صراحت بیان شده است.

مناظر شیعه:

جناب مولوی عبدالستار در کتاب معتبر شما تحفه اثنا عشریه شاه عبدالعزیز دهلوی می‌نویسد: در تمام روایات امامیه آمده است اهل بیت همین قرآن را می‌خواندند.

پس اگر این قرآن درست نبود چرا اهل بیت این قرآن را می‌خواندند؟

^۱ - فصل الخطاب ص ۲۷

و روایت اصول کافی که قرآن هفده هزار آیه داشت در مورد آیه‌های نسخ شده می‌باشد یعنی قرآن در مجموع هفده هزار آیه داشت وقتی آیه‌های نسخ شده را برداشتند چند هزار باقی ماند و با این روایت نمی‌توان تحریف قرآن نزد شیعه را ثابت نمود.

مناظره شیعه که هیچ دلیلی نداشت یک حرف را صد بار تکرار می‌کرد تا وقتش را پر کند.

مناظر اهل سنت:

شاه عبدالعزیز دهلوی در کتاب تحفه اثنا عشریه جهت ابطال عقیده تشیع مبنی بر تحریف قرآن از فعل امامان معصوم شیعه استدلال می‌کند، در حقیقت شاه عبدالعزیز می‌گوید شما شیعیان معتقد به تحریف قرآن هستید اما این عقیده شما مخالف با عقیده امامان اهل بیت است، و شاه عبدالعزیز بانیان مذهب شیعه را رد می‌کند که آنان عقیده تحریف قرآن را ساخته‌اند و سپس روایاتی دروغین ساخته و به امامان نسبت دادند تا عقیده باطل تحریف قرآن را ثابت کنند.

شاه عبدالعزیز می‌گوید اگر امامان اهل بیت مثل شما شیعیان معتقد به تحریف قرآن بودند پس چرا این قرآن را می‌خواندند و علمای اهل سنت می‌توانند برای ابطال و تردید این عقیده باطل و کافرانه شیعه از کردار اهل بیت استدلال کنند.

اما شیعیان حاضر نمی‌شوند دو هزار روایت تحریف قرآن را رد کنند و فقط به خاطر اینکه اهل بیت این قرآن را می‌خواندند به این قرآن ایمان بیاورند و به همین خاطر آنان خواندن قرآن توسط امامان را تاویل کرده‌اند و گفته‌اند تا ظهور مهدی کسی اجازه ندارد قرآن اصلی را بخواند.

چنانچه کلینی در اصول کافی روایتی نقل می‌کند که امام جعفر صادق وقتی از یک شخص الفاظی از قرآن اصلی شنید فوراً به او گفت: کف عن هذه القراءة اقرأ كما يقرأ الناس حتى يقوم القائم عليه السلام فإذا قام القائم قرأ كتاب الله على حده.^۱

این طور نخوان و مانند دیگران بخوان تا زمانیکه مهدی ظهور کند و هنگامیکه مهدی ظهور کند قرآن را به شکل اصلی می‌خواند.

مقبول دهلوی در کتاب ترجمه مقبول می‌نویسد: حضرت علی فرمودند الان وقت اصلاح قرآن نیست و مردم را نباید نگران کرد و حق اصلاح قرآن مخصوص صاحب الامر امام مهدی است و او می‌تواند قرآن را همانطور بخواند که بر پیامبر نازل شد.^۲

آقای اسماعیل شما از ما می‌پرسید: چرا امامان معصوم این قرآن را می‌خواندند بهتر است نگاهی به کتب خود بیندازید، برای شما توضیح می‌دهند چرا امامان این قرآن را می‌خوانده‌اند.

در کتاب‌های شما نوشته شده است: به جز امام مهدی دیگر امامان اجازه نداشتند قرآن اصلی را بخوانند به همین خاطر این قرآن را می‌خواندند نه به دلیل اینکه قرآن کامل است.

و حمل کردن روایت اصول کافی که می‌گفت قرآن هفده هزار آیه داشت بر ناسخ و منسوخ درست نیست زیرا ملا خلیل قزوینی در شرح آن روایت می‌گوید: مراد این است که بسیاری از قرآن اصلی حذف شده است و در قرآن مشهور وجود ندارند.

^۱ - اصول کافی ص ۶۷۱.

^۲ - ترجمه مقبول ص ۱۰۶۷.

و پس از چند سطر می‌نویسد: ادعای این که قرآن همین است که در مصاحف مشهور است خالی از اشکال نیست.

و سپس دلائلی ارائه داده است تا ثابت کند قرآن موجود محفوظ و کامل نیست لذا حمل کردن این روایت بر آیه‌های نسخ شده درست نیست و اگر مراد آیه‌های نسخ شده می‌بود حتما شارح حدیث ملا خلیل قزوینی بدان اشاره می‌کرد در صورتیکه ملا خلیل این روایت را به عنوان دلیل تحریف قرآن ذکر می‌کند.

مؤلف تفسیر صافی در این مورد چنین می‌نویسد:

تمامی روایاتی که از اهل بیت به ما رسیده است ثابت می‌کند قرآن موجود قرآن کامل نیست و در آن بسیاری از آیه‌ها تحریف شده و تغییر یافته‌اند و چیزهای زیادی از آن حذف شده است از جمله نام علی از آیه‌های زیادی و لفظ آل محمد از چند آیه و نام منافقان و چیزهای دیگری حذف شده‌اند و این واضح است که ترتیب کنونی هرگز مورد پسند خدا و رسول نیست.^۱

همچنین تفسیر قمی از امام باقر نقل می‌کند که جبرئیل امین این آیه را چنین نازل فرمود: ذلک بأنهم کرهوا ما أنزل الله فی علی. اما منافقان نام علی را حذف کردند.

آقای اسماعیل لطفا جواب این همه دلیل را بدهید و به اینجا و آنجا فرار نکنید.

شاه عبدالعزیز محدث دهلوی در کتاب تحفه اثنا عشریه در مورد شیعه و عقیده تحریف قرآن چنین نوشته است: شیعه دوازده امامی معتقدند قرآنی که در دست مسلمانان است کاملا از جانب خدا نازل نشده است و اصحاب

^۱ - تفسیر صافی ص ۱۳.

پیامبر الفاظ خود را به آن افزوده‌اند و آیه‌ها و سوره‌های بی‌شماری از آن حذف شده است.^۱ این قول شاه عبدالعزیز دهلوی در مورد شیعه و تحریف قرآن می‌باشد.

مناظر شیعه:

من روایاتی را که مولوی عبدالستار بیان کرد قبول ندارم و قرآن را کامل می‌دانم چنانچه شیخ صدوق قرآن را کامل دانسته‌اند.

دعوی مناظر شیعه با مردم و فحش دادن آن‌ها:

مناظر شیعه عبارت کتاب شیخ صدوق را می‌خواند، که یکی از حضار جلسه گفت جناب شیخ لطفا عبارت را آهسته‌تر بخوانید چون شما خیلی با سرعت می‌خوانید و ما نمی‌فهمیم شما چه می‌گوئید، این اعتراض آتش در وجود مناظر شیعه انداخت و شروع به فحاشی و دشنام دادن نمود و گفت: ای بی شعورهای نادان! شما حرف‌های عبدالستار را خوب می‌فهمید و حرف‌های من را نمی‌فهمید و چندین جمله زشت نثار فرد معترض کرد این رفتار غیر اسلامی مناظر شیعه موجب خشم و اعتراض حاضران در جلسه شد و بزرگان جلسه گفتند چنین کلمات زشتی شایسته یک عالم نیست و از شان یک عالم خیلی دور است.

شیخ اسماعیل از حرف‌هایش شرمند شد و از مردم بابت دشنام‌ها و کلمات زشت عذرخواهی نمود و وقتش را در عذرخواهی و سخنرانی گذراند و به اصل موضوع بازنگشت.

مناظر اهل سنت:

سروران عزیز!

^۱ - تحفه اثنا عشریه ص ۲۱۵.

من از کتب معتبر شیعه مانند: اصول کافی، تفسیر قمی، احتجاج طبرسی، تفسیر صافی، ترجمه مقبول، فصل الخطاب و غیره روایات معتبر و واضح امامان معصوم شیعه را در مورد تحریف قرآن بیان کردم و گفتم روایات تحریف قرآن نزد تشیع متواتر است و در این باب بیش از دو هزار روایت در کتب شیعه وجود دارد.

و شیخ اسماعیل به جای خود، هیچ عالم شیعه‌ای نمی‌تواند پاسخ این دلایل را بدهد و من بارها گفته‌ام علمای شیعه نمی‌توانند از کتب معتبر خود یک روایت صحیح ارائه دهند که با صراحت بر کامل بودن قرآن موجود در دست مسلمانان دلالت کند و تاکنون هیچ عالم شیعی این کار را نکرده است و تا ابد علما و مجتهدین شیعه نمی‌توانند چنین روایتی ارائه دهند.

﴿هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

دلیل خود را بیاورید اگر راست می‌گوئید.

پایان مناظره